

آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی

تازه‌ای نیز یافت. فشار بین‌المللی، فشار بین‌المللی چنان دامنه‌ای یافت که در زمره عوامل عمده دخیل در سرشوت جنگ، قرار گرفت. خمینی دست و پا زد و مدبوحانه همچنان فریاد نفرت انگیز "جنگ، جنگ، جنگ، تا پیروزی" را سرداد. فریادهای او سر درماندگی بود. شهیق‌شان خودشان را نیز نمی‌تواند فریب دهد.

جنگ در حساس‌ترین لحظات حیات ننگین خود پا به سال هشتم می‌نهد. حوادث یک ساله گذشته و خاصه رخدادهای تاپستانی که پشت سر نهادیم، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر روی سال هشتم خواهند نهاد. در مقاله "جنگ در هشتمین سال" در صفحه ۵ مروری بر این حوادث داریم.

جنگ وارد هشتمین سال حیات ننگین خود شد. کشت و سوژاند و ویران کرد، و از خلال روزها و ماهها و سالها گذشت. باکوهی از چناره پردوش و درشتی از خون، خونی که تا کلوگاش رسیده است. و این همه خمینی را سیراب نکرده است.

سال هفتم، سال تعمیق حالت بن‌بست بود. ناتوانی و درماندگی رژیم به یک کیفیت بدل شد. بسیج‌های نظامی ره به جایی نبردند، مدام شوچراشان و چوانان بیشتری از اعزام به جبهه‌های بی‌بازگشت سرباز زدند، خمینی فتواشت آسان که خود می‌خواهد جبهه‌ها را انباشته کند. بحران اقتصادی چنان بالا گرفت که عرصه را بر جنگ نیز تنگ کرد. ناراضیاتی‌ها و نفرت‌ها فزونی‌تر شدند. جنگ بعد کیفیتا

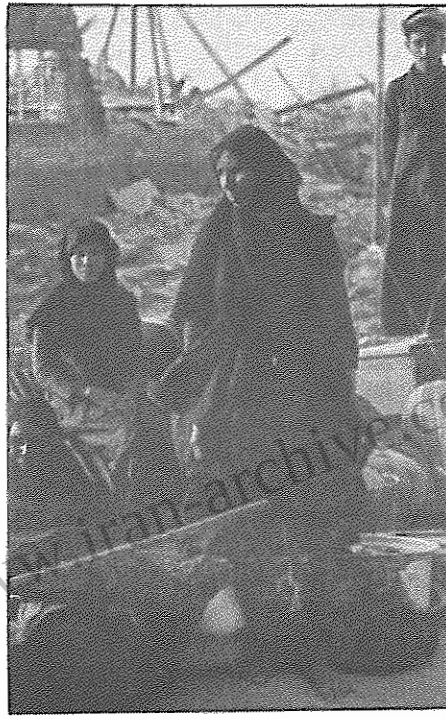
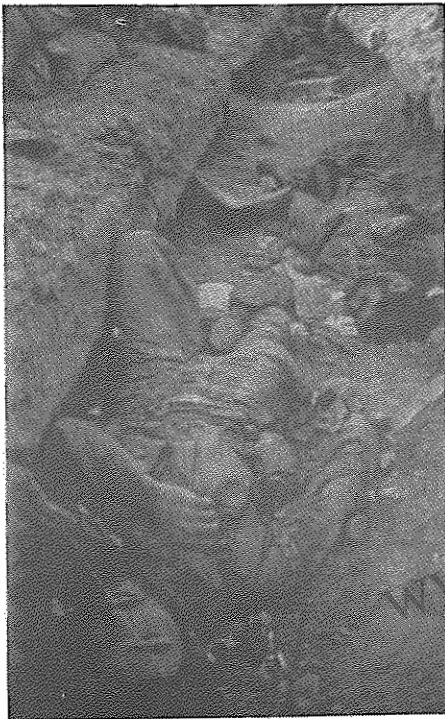


دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۶ برابر (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷)
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۵

جنگ: بیلانی از روندهای تازه

عصر روز جمعه ۲۰ شهریور، خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد وارد تهران شد. او در تهران به ترتیب با ولایتی، وزیر خارجه، موسوی نخست وزیر و خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم خمینی دیدار کرد. دبیر کل سازمان ملل، بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ شهریور تهران را به مقصد بغداد ترک گفت و در آنجا با صدام حسین و طاق‌عزیز وزیر امور خارجه عراق به مذاکره نشست. خاویر پرز دو کوئیار بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۴ شهریور از بغداد به مقصد نیویورک پرواز کرد و روز بعد در جلسه شورای امنیت حضور یافت، تا نتایج سفر خود به تهران و بغداد را به شورا گزارش کند. خاویر پرز دو کوئیار سفر خود را در مجموع مثبت ارزیابی کرد، هر چند که در آغاز هفته گذشته مطبوعات بین‌المللی لحن مایوس‌کننده‌ای نسبت به این سفر داشتند. خاویر پرز دو کوئیار به خبرنگاران گفت: "اگر معنی موفقیت دریافت حقیقت باشد، سفر من موفقیت آمیز بوده است." او پیش از ادای این سخن گفته بود: "من نسبت به نتایج این سفر نه خوش بینم و نه بد بین."

جمهوری اسلامی خود سفر دبیر کل سازمان ملل به تهران را مثبت توصیف کرد. خامنه‌ای در آستانه ورود پرز دو کوئیار به تهران در خطبه‌های نماز جمعه گفت: "قطعه‌نامه اخیر شورای امنیت دوسه نقطه روشن و قابل قبول دارد. همان دوسه نقطه موجب شده که ما این قطعنامه را رد نکنیم. البته همه قطعنامه هم مورد قبول بقیه در صفحه ۲



جنگ هفت ساله شد. اگر نوژادی بود، همین فردا به مدرسه می‌رفت. اگر خشت اول شهری بود، امروز مظهر آبادانی و حضور انسانها بود. اگر چرخ نخست کارخانه ای بود، امروز سفر از دود خورده ای می‌نمود. اگر نهال صوبیری بود، امروز سر بر آسمان می‌سایید... اما او برآمد، چون دبیوی از شیشه، تا کودکان را در مدرسه بر خاک افکند، شهرها را ویران کند، چرخ کارخانه‌ها را از حرکت بازدارد و جنگلها را بسوزاند...

از رویدادهای ایران

- بمباران شهرها و تاسیسات صنعتی ایران و عراق
- اعلام نتایج کنکور سراسری کشور
- ژاپن خواستار پیرد اخت حق بیمه تاسیسات پتروشیمی بند رخمینی است
- دیدار وزیر خارجه الجزایر و سوریه از تهران

"ارتباط ایتالیایی"

از مقاله هفته‌نامه "عصر جدید" درباره معاملات مافیا، جمهوری اسلامی و دولت ریگان

به حکم یک بازپرس قضایی ایتالیایی، یکی از این دلایل دستگیر شد، از نظر صحنه گردانان "ایران گیت" بهم آن می‌رفت که معاملات مزبور فاش شود. اما فرد دستگیر شده که هنری آرس نام داشت، در اوایل سال ۱۹۸۳ در زندان به نحو مرموزی درگذشت.

در مقاله "عصر جدید" به بخشی از فشارها و تهدیدهایی اشاره شده است که در تمام مدت ۸ سال اخیر توسط مافیا، دولت آمریکا و دولت ایتالیا، بر کارلو پالمو، بازپرس قضایی ایتالیایی وارد شده است تا وی دست از تحقیقات خود بردارد، پالمو یک بار هدف سو* قصد گرفت. حتی وی را دادگاهی کردند

در شماره گذشته "اکثریت"، گزارشی درباره معاملات تسلیحاتی مافیا و جمهوری اسلامی درج کردیم. در شماره ۲۲ هفته‌نامه شوروی "عصر جدید" نیز در این مورد مقاله‌ای به چاپ رسیده است.

این مقاله به شرح شکایات از سابقه روابط گسترده سازمان سیا و وزارت دفاع آمریکا با اتحادیه تبهکاران، مافیا، می‌پردازد. در این مقاله همچنین گفته شده است که ارسال سلاحهای آمریکایی به جمهوری اسلامی، از سال ۱۹۷۹ آغاز شد. ارسال تسلیحات برای رژیم خمینی، از دو کانال شورای امنیت ملی و وزارت دفاع آمریکا صورت می‌گرفت. مقامات آمریکایی بدین منظور چند دلال اسلحه وابسته به مافیا را واسطه قرار داده بودند. هنگامی که

پیام سازمان جوانان پیشگام ایران به دانش آموزان و دانشجویان بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۷

گسترده باد مبارزه انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز می‌کنیم که جنگ خائنان برانداز ایران و عراق وارد هشتمین سال می‌شود. سران چنایتکار رژیم در سال پیش چندصد هزار تن از دوستان و همکلاسی‌های شما را در بسیج نیرو و تحت عناوین مختلف روانه جبهه‌های مرگ کردند. چنان هزاران تن از آنها را در عملیات شکست خورده کربلا در آغاز زندگی به مرگ و نیستی سپردند، مغلول و از کار افتاده ساختند، یا به اردوگاه‌های اسیران در عراق فرستادند. امسال هم باز با نیرنگ‌های جدید مثل طرح "پاسدار دانش آموز"، "دانشگاه در جبهه" و "آموزش نظامی اجهاری در مدارس" و اخیراً "واحد درسی آموزش نظامی" در دانشگاه، نقشه شوم کشتار تعداد بیشتری از شما را در سر می‌پروراند. سال گذشته در مسابقه چنایت خمینی و صدام برای بمباران شهرها و کشتار مردم بی‌دفاع، مدارس و دانشگاه‌ها را بر سر شما خراب کردند و امسال باز هم دور تازه‌ای از جنگ شهرها را آغاز کرده‌اند. رژیم فقه‌ها که در سال پیش با افشای روایتش با "شیطان بزرگ" نزد مردم ایران و جهان رسوا شد، اینک با پراهنه‌انداختن چنجال علیه آمریکا و تلاش برای متشنج کردن خلیج فارس که تا کنون بیشترین سود را برای آمریکا داشته است، ژست دروغین ضد امپریالیستی گرفته است.

سال جدید تحصیلی در شرایطی آغاز می‌شود که سایه شوم اختلاف، نفس کشیدن در محیط‌های آموزشی را دشوار کرده است. رژیم با افزایش سهمیه نهادهای ارتجاعی در کنکور دانشگاه‌ها تا ۵۰ درصد، محروم کردن دختران از تحصیل در تعداد دیگری از رشته‌های تحصیلی و خطر نشان کشیدن برای سرکوب هر شروع فعالیت سیاسی در مدارس و دانشگاه‌ها دور تازه‌ای از تشدید استبداد را آغاز کرده است.

اینک شما در شرایطی به کلاس‌های درس می‌روید که ۵ میلیون کودک و نوجوان زحمتکش موطن‌مان از آموزش محرومند، رژیم فقه با رسیت دادن به اخذ شهریه، قانونی کردن تاسیس مدارس انتفاعی و بازار سیاه لوازم التحریر، تعداد پازم بیشتری از فرزندان زحمتکشان را به ترک تحصیل واداشته است. دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

مبارزه شما علیه پیدادگرهای رژیم بخش مهمی از مبارزه دلیرانه مردم ایران است. مقاومت و مبارزه جوانان در سال گذشته از اشکال مختلف فردی و پراکنده تا اعتراضات دسته‌جمعی و تظاهرات در استادیوم‌های ورزشی جریان داشت. دانشجویان به اشکال گوناگون در برابر اعزام به جبهه مقاومت کردند و سیاست رژیم در جلب دانشجویان به جبهه در اساس شکست خورد. اعتراضات متعدد برای لغو دریافت شهریه و جلوگیری از تخلیه مدارس، رویارویی با طرح‌های رژیم برای کمک به جبهه و تبلیغات جنگ طلبانه آخوندها در مدارس، حرکات اعتراضی صنفی دانشجویی در تهران و اهواز و تیریز نشان داد که رژیم قادر به خاموش کردن شعله مقاومت و مبارزه در مراکز آموزشی نیست و زمینه گسترش و تشدید آن پررود آمده است.

اکنون انجمن‌های اسلامی به‌مثابه ابزار سرکوب و جاسوسی رژیم در محیط‌های آموزشی با بحران فزاینده‌ای روبرو هستند. طرد و انزوی انجمنی‌ها توسط توده دانش آموز و دانشجویان تشدید درگیری میان جناح‌های مختلف آن و بالاخره دلسردی و نومیدی عده‌ای از اعضای انجمن و خروجشان از آنها، فروپاشی این نهاد ارتجاعی را تسریع کرده است.

دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

باید در آستانه سال جدید تحصیلی دست در دست هم مبارزات خود را گسترش دهیم. نبرد علیه جنگ و برای صلح را تشدید کنید. در مقابل اعزام اجهاری به جبهه‌ها مقاومت و از کمک به جنگ امتناع ورزید. واقعیت دروغین شعارهای ضد امپریالیستی رژیم را برای مردم و توده جوانان افشا کنید. نوجوانان کم‌آگاهی را که فریب نیرنگ آخوندها را می‌خورند، آگاه کنید. از جوانانی که از سربازی فرار کرده‌اند، از سربازانی که از جبهه گریخته‌اند و از مبارزه درون جبهه‌ها و پادگان‌ها علیه جنگ دفاع کنید. در اعتراضات و

تظاهرات ضد جنگ شرکت کنید و آنها را سازمان دهید.

تضادهای درونی انجمن‌های اسلامی و سایر نهادهای حکومتی در آستانه انتخابات تشدید می‌شود، به افشا، ماهیت این اختلافات و خصلت ضد مردمی تمامی آنها بپردازید. از تضادهای درونی و کشاکش آنها در راستای طرح خواسته‌های دانش آموزان و دانشجویان استفاده کنید. به آن دسته از جوانان صادق مذهبی که طرفداری از رژیم را به دلیل روشن شدن ماهیت پلید آن ترک می‌کنند، کمک کنید تا راه صحیح مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم برای خواسته‌های مردمی را بیابند.

در راه "انحلال انجمن‌های اسلامی" این ارگانهای جاسوسی، سرکوب و بیرونده سازی در دانشگاه و مدرسه، لغو ضوابط ارتجاعی کنکور و سهمیه نهادهای ارتجاعی، به رسمیت شناختن حقوق دانشجویان و دانش آموزان برای "ایجاد تشکلهای صنفی مستقل"، "آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی در محیط‌های آموزشی" و "برابر حقوقی" دختران و پسران در همه عرصه‌های آموزشی مبارزه کنید. علیه کمبود و گرانی خوراک و پوشاک اعتراض کنید مسئولین را تحت فشار بگذارید تا لوازم التحریر را به قیمت ارزان تامین و از طریق تعاونی‌های دانشجویی و دانش آموزی توزیع کنند.

در راه دستیابی به سایر خواسته‌های صنفی، در مدارس، علیه کمبود معلم و فضای آموزشی، معلمان بی صلاحیت و مکتبی، تنبیه بدنی و تحقیر و توهین دانش آموزان، اخذ شهریه و هر نوع دیگر اخاذی، در دانشگاه‌ها، علیه کمبود خوابگاه، وضعیت دشوار و غیر انسانی زندگی در خوابگاه‌های موجود، کیفیت بد و گرانی غذا در سلف سرویس‌های دانشگاه، کمبود استاد، گرانی قیمت کتابها و جزوه‌های درسی دانشگاهی، و در دانشگاه آزاد - برای پایین آوردن شهریه، تعیین تکلیف مدرک تحصیلی و خواسته‌های دیگر مانند معافیت حین تحصیل از خدمت نظام وظیفه، تمرکز دانشگاه‌های مختلف در هر شهر، بهبود امکانات آموزشی و رفاهی مبارزه کنید.

از مبارزه معلمان و استادان دلسوز و مترقی حمایت کنید و آنها را به پشتیبانی از خود فراخوانید.

دانشجویان و دانش آموزان پیشگام باید با ایجاد واحد مخفی سازمانی در دانشگاه‌ها و مدارس مهم حضور فعال و موثر خود در این مراکز را تامین نمایند.

کمبود هسته‌های مخفی صنفی همچنان ضعف بزرگ مبارزات دانشجویی است. دانشجویان پیشگام باید در جهت ایجاد و تحکیم هسته‌های مخفی دانشجویی با شرکت فعالین صنفی بکوشند. باید تلاش کرد تا همکاری همه دانشجویان و دانش آموزان با کراشات گوناگون سیاسی و عقیدتی و اتحاد همه نیروهای ترقیخواه در دانشگاه‌ها و مدارس تامین شود.

از هر امکان علنی مثل شورای خوابگاه، تیم‌های ورزشی و برگزاری مسابقات، محافل تفریح و گردش در روزهای تعطیل و فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای نودبکی و اتحاد دانشجویان و دانش آموزان و سالم کردن محیط‌های آموزشی استفاده کنید. اجازه ندهید که مزدوران رژیم این فعالیت‌ها را در انحصار و کنترل خود آورند.

در مبارزه خلق برای آزادی فعالانه مشارکت کنید. به حمایت و همبستگی با مبارزه زندانیان سیاسی اقدام کنید. علیه استبداد و سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلق‌ها و اقشار مختلف مردم در همه جا افشاکری و مبارزه کنید.

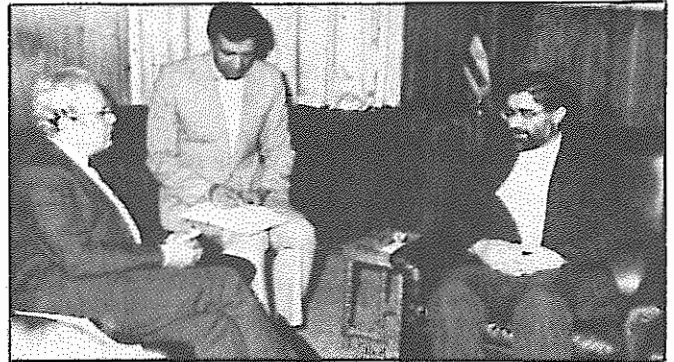
سال جدید راه سال گسترش اتحاد و مبارزه در دانشگاه‌ها و مدارس و تشدید نبرد علیه جنگ و علیه رژیم خمینی بدل سازیم.

گسترده باد مبارزات انقلابی دانشجویان و دانش آموزان
مستحکم باد پیوند دانشجویان و دانش آموزان انقلابی با جنبش خلق
سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران

شهریور ۱۳۶۶

جنگ: بیلانی از روندهای تازه



تهران - دبیر کنگ سازمان ملل متحد در ملاقات با نخست وزیر رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول
ماند بود. "ظاهر اسرار حکومت بر اساس همین موضع بادی کنگ سازمان ملل مذاکره کرده اند. پس از مذاکره با پرز و کوئینار آنچه که در رسانه های گروهی جمهوری اسلامی انتشار یافت اصرار اسرار رژیم بر "معرفی متجاوز" به عنوان شرط برقراری آتش پس است. در این مورد که رژیم به طور مشخص با فرمولهای پیشنهادی پرز و کوئینار چه برخوردی داشته است، هنوز خبر روشنی انتشار نیافته است. اظهارات مقامات رژیم تنها حاکی از این نکته اند که مهمترین گره مذاکرات قضیه "معرفی متجاوز" است.

خاویر پرز و کوئینار در بغداد، مشکلات تهران را داشت. عراق قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می پذیرد و از انتطاف دیپلماتیک بیشتری برخوردار است. رژیم عراق پس از سفر پرز و کوئینار به بغداد اعلام کرد اگر تهران قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرد، باید آماده جنگ تلافی جویانه حادی باشد.

سفر دبیر کنگ سازمان ملل متحد به تهران و بغداد، تاکنون مهمترین فراز فاز جدید جنگ - که مشخصه آن برجسته شدن فشار بین المللی است - بوده است. مادر شماره ۱۷۲ نشریه نوشتیم که روندهای جدید در جنگ در گذر از میانه راهند و در آستانه سفر پرز و کوئینار به تهران گفتیم این سفر شاخص گذر از میانه راه است. اکنون می توان بیلانی تقریبی از روندهای تازه به دست داد و از این بیلان برای ترسیم خطوط اصلی چشم انداز آینده - که بهر حال سایه روشن های آن مبهم است - بهره جست.

در دوره کنونی باید ناتوانی و درماندگی رژیم برای پیشبرد جنگ - بهمان صورتی که تاکنون جریان داشته

خواهد شد پانه، در هفته های آتی میسر تر باشد. مجمع عمومی سازمان ملل هم اکنون تشکیل شده است و در درون و حول و حوش آن مذاکرات مهمی صورت خواهد گرفت.

می توان بر آینده با خط کشیدن بر روی چشم اندازهای بلا واسطه غیر ممکن پرتو افکند. چشم انداز تداوم جنگ در سال هشتم، بهمان صورت هفتمین سال جنگ، چشم اندازی کاملاً غیر محتمل است. رژیم برای پیش برد جنگ به صورت سابق ناتوان و درمانده گشته است. چشم انداز صلح کامل و یکپاره نیز چشم انداز مردودی است. رژیم باید دست آویزهایی داشته باشد که خود را با سروصدا پیروز بنامد و به علاوه نیروی ماند دستگاه ایدئولوژیک و دستگاه سرکوب حکومت در تضاد با چشم انداز صلح فوری کامل قرار می گیرد. برای پیش برد جنگ ناتوانند، اما با خواست و وعده فتح کرپلا چه باید کرد؟ دست کم باید خود را پیروز کامل قلمداد کرد یا نه؟ با آیات جنگ طلبانه نوشته پرز و کوئینار چه باید کرد؟ به بسیجی و پاسدار چه باید گفت؟ مهمتر از همه خود خمینی، چه

می اندیشد؟ و باز مهمتر از این مساله آیا مردم صلح را به مثابه یک شکست مهم رژیم چش نخواهند گرفت؟ و بی گمان مردم چنین خواهند کرد.

بنابر این دو چشم انداز افراطی صلح کامل یکپاره و یا جنگ کامل را می توانیم از حیطه ممکنات واقعی کنار بگذاریم. می ماند اشکال بینابینی، متمایل به قطب جنگ و یا متمایل به قطب صلح. روندهای تازه تاکنون با جهت حرکت به سمت قطب صلح جریان داشته اند. بازم چرخش و ریزش از یک زاویه بعید نیست. همچنانکه از آغاز تشخص یافتن روندهای تازه از اوایل تابستان امسال، شاهد ریزشهای بوده ایم. در مورد آینده هنوز صرفاً تا این حد می توان با قطعیت سخن گفت.

بر مبنای بحث بالا ما بیلان روندهای تازه را مثبت ارزیابی می کنیم. رژیم درمانده است و اکنون مبارزه علیه جنگ را باید پیش از هر هنگام دیگری شدت بخشید. باید خوش بینانه و رزمجویانه به سوی آینده ای کام برداریم که در آن تحقق صلح را به مثابه یک شکست رژیم، چش خواهیم گرفت. ●



مرگ ویرانی و آوارگی ارمنان جنگ، دوررژیم جنایتکار ایران و عراق

دبدا روزرای خارجه الجزایر و سوریه از تهران

دادن به جنگ ایران و عراق به کار بست. یک روز پس از عزیمت طالب ابراهیمی به الجزایر، وزیر امور خارجه سوریه برای دیدار با مسئولان جمهوری اسلامی وارد تهران شد. وی در اولین روز اقامت خود در تهران با ولایتی به گفتگو نشست.

همزمان با حضور فاروق الشرع در تهران، مجلس شورای اسلامی، لایحه تحویل یک میلیون تن نفت مجانی به سوریه را تصویب کرد.

روز یکشنبه ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر) طالب ابراهیمی و فاروق الشرع، همراه با ۱۹ تن دیگر از وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب در تونس گرد هم می آیند تا ادامه روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. این تصمیم در اجلاس روز بیست و پنجم اوت اتخاذ شد. در این اجلاس وزرای خارجه اتحادیه عرب به جمهوری اسلامی تا روز بیستم سپتامبر برای پاسخ به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل فرصت دادند.

احمد طالب ابراهیمی وزیر امور خارجه الجزایر روز چهارشنبه ۲۵ شهریور بعد از پایان دیدار دو روزه خود از ایران، تهران را به قصد الجزیره ترک کرد. طالب ابراهیمی حامل پیام شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر برای خامنه ای بود. وزیر خارجه الجزایر طی دو روز اقامت خود در تهران، با رفسنجانی رئیس مجلس، موسوی نخست وزیر، ولایتی وزیر امور خارجه و خامنه ای رئیس جمهور ملاقات و مذاکره کرد. موضوعات مورد گفتگو جنگ ایران و عراق، قطعنامه اخیر شورای امنیت، مسئله فلسطین و لبنان و برخی مسائل اقتصادی، اعلام شد. رادیو جمهوری اسلامی روز جمعه طی تفسیری اعلام نمود طبق توافقهای حاصله در تهران، به زودی بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جهت آغاز کار کمیسیون اقتصادی الجزایر و ایران راهی الجزیره خواهد شد.

پس از کشته شدن بن یحیی وزیر امور خارجه پیشین الجزایر که هفت سال پیش به هنگام سفر وی به ایران صورت گرفت، این مهمترین دیدار یک مقام بلند پایه الجزایری از تهران است. در آن زمان الجزایر تلاش زیادی برای میانجیگری و پایان

بمباران شهرها و تاسیسات صنعتی

هفته گذشته ساعتی پس از عزیمت خاور بیرز و دو کونیار از بغداد، جمهوری اسلامی ۲۱ کلوله خمپاره به سوی بصره شلیک کرد. از سوی جمهوری اسلامی ادعا شد که کلوله پاران بصره به تلافی حملات روز دوشنبه ۲۲ شهریور عراق به شهرهای مردهشت، آبادان و خرمشهر صورت گرفته است. مطابق گزارش رادیو جمهوری اسلامی بر اثر این حملات ۲ تن کشته و ۱۴ تن مجروح شدند.

بدین ترتیب دور جدید عملیات تلافی جویانه با بمباران هوایی و کلوله پاران شهرها آغاز شد. در خوزستان روز چهارشنبه ۲۵ شهریور چندین واحد صنعتی هدف اصابت موشک جنگنده های عراق قرار گرفت. رادیو جمهوری اسلامی درباره حملات هوایی عراق تنها به عملیات روز چهارشنبه و اوایل ماه عراقی اشاره کرد. در این روز آغازی و اصفهان هدف بمباران هوایی واقع شدند. روز پنجشنبه از طرف ستاد تهللیقات جنگ اطلاعاتی صادر شد و اعلام گردید مناطق نظامی اقتصاد عراق از ساعات آینده زیر آتش قرار خواهند گرفت. به دنبال انتشار این اطلاعیه کلوله پاران تاسیسات اقتصادی بندر ام القصر، برق الحارثه و راههای ممتل به شهر بصره از سر گرفته شد.

روز جمعه ۲۷ شهریور پایانه نفتی خارک بمباران شد. در سمت شرقی این جزیره دو حوزة نفتی اردشیر و بهرگان به شدت آسیب دیدند. جمهوری اسلامی ضمن تایید خبر حمله هواپیماهای عراقی به جزیره خارک خبر حمله تلافی جویانه هواپیماهای ایرانی به تاسیسات نفتی کرکوک را اعلام داشت.

حملات متقابل روز شنبه ۲۸ شهریور نیز ادامه یافت. رادیو جمهوری اسلامی در اخبار نیمروزی خبر بمباران دو واحد صنعتی در لرستان و کشته و مجروح شدن تعدادی از کارگران آن را انتشار داد.

جنگ در عرصه زمین و دریا نیز به طور محدود جریان داشت. روز شنبه ۲۸ شهریور یک کشتی قبرسی توسط نیروهای عراقی مورد حمله قرار گرفت. پیش از آن جمهوری اسلامی مدعی شده بود حملات دریایی عراق رادر خور عبدالله خنثی کرده است. یک سخنگوی نظامی عراق روز چهارشنبه ۲۵ شهریور تهدید کرد چنانچه ایران قطعنامه سازمان ملل را نهدید، عراق تمام شهرهای ایران را با خاک یکسان خواهد کرد. وی تاکید کرد نیروی هوایی عراق آماده است به هر شهر ایران با صدها هواپیما حمله کند.

ژاپن خواستار بر د اخت حق بیمه تاسیسات پتروشیمی بندر خمینی است

گزارشهای منتشره در مطبوعات ژاپن حاکی است که تاسیسات پتروشیمی بندر خمینی در جریان حملات هوایی جنگنده های عراقی به شدت آسیب دیده است. در این گزارش ها به میزان و ابعاد خسارات وارده بر این واحد صنعتی اشاره ای شده است اما واکنش مسئولان شرکت توسعه شیمی ایران که یک شرکت ژاپنی است، بیانگر اهمیت رخداد است. مدیر عامل شرکت مجری پروژه تاسیسات پتروشیمی خمینی به دنبال انتشار خبر بمباران آن در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت.

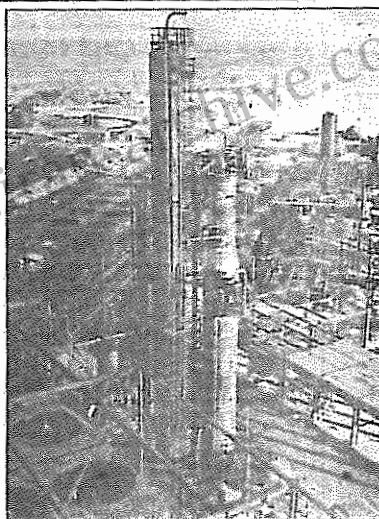
وی خبر بمباران تاسیسات پتروشیمی را تایید کرد ولی متذکر شد که کارشناسان این شرکت از سال ۸۵ به اینطرف از پروژه باز دیده نکرده اند. مدیر عامل شرکت اظهار کرد شرکت برای دریافت حق بیمه خود از بابت بمباران واحد صنعتی که به ۱۳۵ میلیاردین ژاپن بالغ می شود اقدام خواهد نمود.

او اعلام نمود اقدام برای دریافت حق بیمه به معنی لغو قرار داد و خروج از پروژه پتروشیمی نیست و منظور شرکت وی تنها تاکید بر یک حق قانونی شرکت است.

شرکت توسعه شیمی ایران به انحصار میتسوبشی ژاپن وابسته است.

مطابق گزارش هفته نامه اقتصادی "مید" جمع کن سرمایه گذاری شرکت های ژاپنی در مجتمع پتروشیمی به حدود دو میلیارد دلار برآورد شده است.

ژاپنی ها حدود سه سال قبل به علت ادامه حملات جنگنده های عراقی به تاسیسات در حال احداث مجتمع پتروشیمی از ادامه کار خودداری کردند. برخی ارزیابی ها حاکی از آن است که حملات هواپیماهای عراقی به این تاسیسات نیمه تمام حدود نهم میلیارد دلار خسارت وارد آورده است. مجتمع پتروشیمی طی سه سال گذشته چندین بار مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته است.



مجتمع پتروشیمی

اعلام نتایج کنکور سراسری کشور

علاوه بر سهمیه ویژه خانواده شهدا که قبلا اعلام شده بود، در هر یک از رشته های اعلام شده در دفترچه ها ۵ درصد دیگر نیز برای این افراد در نظر گرفته شده است.

۶۲ هزار پذیرفته شده مرحله علمی در مرحله دوم به نصف تقلیل خواهد یافت این عده کسانی هستند که باید از هفت خوان تحقیق بگذرند. سال گذشته تنها در رشته پزشکی ۲۲ درصد مردود اخلاقی اعلام شد. ۸۰ هزار نفر از پذیرفته شدگان سال گذشته نیز سهمیه بسیج بودند. امسال ۲۰ هزار بسیجی در کنکور شرکت کردند و رژیم به آنها وعده داد در صورت حضور ماه متوالی و با ۹ ماه متناوب در جبهه در اولویت ورود به دانشگاه قرار خواهند گرفت.

میرشمسی مدیر کل گزینش دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی مصاحبه ای مطبوعاتی در روز هفدهم شهریور، جزئیاتی از وضعیت قبولی شرکت کنندگان در کنکور و زمان اعلام نتایج نهایی کنکور ارایه داد. وی گفت از ۶۲ هزار پذیرفته شدگان علمی حدود ۱۸ هزار نفر آنها از دختران و بقیه را پسران تشکیل می دهند که از میان آنها، معادل کن ظرفیتهای اعلام شده در دفترچه ها که حدود ۲۶ هزار نفر خواهد بود به عنوان پذیرفته شدگان نهایی معرفی خواهند شد. میرشمسی گفت لیست نهایی پذیرفته شدگان احتمالا اوایل مهرماه سال جاری به اطلاع داوطلبین خواهد رسید.

وی در مورد سهمیه نهادها و ارگانها توضیح داد:

سیاسی بین المللی" را نیز به نفع خود تشخیص می داد. بنابراین در حملات دی ماه سال گذشته به زعم رژیم اوضاع از هر نظر بیرونی مراد بود و به همین دلیل است که ما "کربلاها" را به مثابه یک شاخص در نظر می گیریم و باز به همین دلیل است که دوره فعلی را دوره پیش از کربلاها نام می نهم.

عق در ماندگی

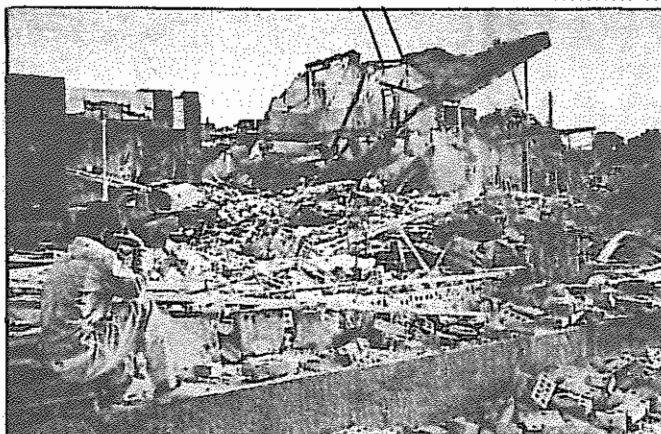
درست در همانجایی که توانایی ها به نمایش گذاشته می شود، ناتوانی هایی نیز رخ می نمایند. رژیم در کربلاها از حداکثر قدرت رژیم خود بهره گرفت و نشان داد که در شکستن بن بست جنگ به لحاظ نظامی، تاجه حدناتوان و درمانده است. رژیم قادر به تکرار کربلاها نیست. باز هم کوشید، اما نتوانست.

پس از کربلاها نیز رژیم به بسیج نیرو ادامه داد و همزمان دست به عملیات محدودی همچون فتح ۶ و نصر ۳ و ۴ در جبهه شمالی زد. در این فاصله بعضاً خطر از سرگیری جنگ شهرها نیز برچسته شد. تبلیغات جنگی برای بسیج نیرو ادامه یافت و خمینی در روز ۸ خرداد در دیدار با سران حکومت به مناسبت عید فطر تاکید کرد که در بسیج جنگی نباید سستی صورت گیرد. او در این دیدار به شکل معنی داری گفت: "آنها که می گویند باید سازش کرد، آیا می فهمند که اگر سازش کنیم له می شویم؟" او همچنین افزود: "همه در جبهه در فعالیت باشند. هر روز که به تعویق افتد این قضیه مشکل تر می شود." قضیه به راستی شکن تر شد، هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی. بسیج نیرو و توانست کار ساز شود. جنگ تأثیرات اجتماعی و اقتصادی خود را با شدتی بیش از گذشته عیان ساخت.

رژیم در آستانه عملیات کربلا، همان هنگام که از "نقشه جدید جنگی" سخن می گفت، "برنامه جدید بقیه در صفحه بعد



جنگ در هفتمین سال



روزی ۱۹ دی ماه سال گذشته، جنگ شهرها که در مفهوم عام آن هیچگاه متوقف نبوده است، با شدت ویژه ای آغاز شد و ۶ هفته به طول انجامید. جمهوری اسلامی بصره را زیر آتش قرار داد، به سوی بغداد موشک پرتاب کرد و اعلام نمود که همه شهرهای عراق به استثنای ۴ شهر مذهبی، مورد حمله قرار خواهند گرفت. بنابراین آمار دولتی، عراق ۶۵ شهر ایران را جمعا ۲۲۶ بار بمباران کرد و ۲۸ بار مورد حمله موشکی قرار داد. در آمار دولتی تعداد کشته شدگان جنگ شهرها در ایران ۳۰۳۵ نفر و تعداد مجروحین ۱۱۱۵۰ نفر ذکر شد. این آمار از آمار واقعی فاصله زیادی داشتند و اگر کشتار فجیع کودکان و نوجوانان دربروچرد و میانه رادر نظر آوریم، درمی یابیم که حتی آمار و ارقام واقعی، قادر نیستند عمق چنانیکاری طرفین را آنکوشه که باید، بازتاب دهند.

"کربلاها" به مثابه یک شاخص

کربلاهای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی و بسیج حداکثر نیرو به صورت راه اندازی لشکرها، "محمد و مهدی" صورت گرفت. این حملات حساس ترین نقطه جبهه را نشانه گرفته بودند. حساسیت جبهه شلمچه که روبرو می توان گفت هرگونه تحولی در توازن نظامی طرفین درگیر، ضرورتاً باید در این منطقه صورت گیرد. نکته مهم دیگر این است که طراحی عملیات کربلا در زمانی صورت گرفت، که هنوز اجرای سفر مک فارلن به تهران رو نشده بود. رژیم پارتی های کلان اسلحه دریافت کرده بود و به گفته رفسنجانی "چو

شدن برای کار بزرگی هستیم". یک ماه بعد مسئولین رژیم گفتند که ۱۰۰ هزار نفر را برای اعزام به جبهه آماده کرده اند. رفیق دوست، وزیر سپاه در آن هنگام گفت: "شرایط نظامی برای حمله آماده است و مجریان نظامی منتظر فرمان فرماندهی جنگ هستند." و ماه بعد فرمان حمله صادر شد. در ۲۰ پنج شنبه ۴ دی عملیات کربلای ۴ آغاز گردید. پیش از آغاز این حمله، بهراران مناطق مسکونی برای هفته های متعددی ادامه داشت. هر دو طرف میخواستند با حمله به مناطق مسکونی حمله، و ضد حملات قابل پیش بینی را به بورت پیش رس در آورند و زمان کشتار رنگ را به جلو بپندارند. در اوج این حملات هاشمی رفسنجانی در مساعده ۱ کیهان هوایی ۱۹ آذرماه اعلام کرد: "ما به مردم اعلام کرده ایم که اسامال با وارد آوردن ضربات کاری به رژیم عراق، تکلیف جنگ را مشخص خواهیم کرد." "کربلاها" تکلیف جنگ را آنسان که رژیم می خواست، روشن نکردند، اما این موضوع را عیان ساختند که نهایت توان فقها برای پیش برد جنگ تا چه حد است.

هدف عملیات کربلای ۴ و ۵ گرفتن بصره و دست کم به محاصره در آوردن این دومین شهر عمده عراق بود. رفسنجانی در همان هنگام که این عملیات جریان داشت، در نماز جمعه ۲۶ دی تهران رجز خواند که "در اینجا سرشست نهایی جنگ تعیین می شود." اما کشتار بزرگ خود در چنبره سرشست عمومی جنگ، یعنی حالت بن بست، گرفتار ماند. هزاران نفر در اطراف دریاچه ماهی کشته شدند و ماشین جنگی به کل نشست. پس از آغاز حمله کربلای ۵ در

خمینی در آغاز سال ۶۵ گفت: "همه پرکنند جبهه ها را". و آنگاه همه مهره های حکومتی به حرکت درآمدند تا با شدت عملی "ده برابر" بیش از گذشته نوجوانان و جوانان را شکار کرده و به جبهه ها بفرستند. شکار گوشت دم توب را بدان نیت شدت بخشیدند که دامنه سر بازگیری "ده برابر" شود. فرمانده سپاه پاسداران در خردادماه سال گذشته گفت: "در سال جاری ده برابر سال گذشته و مجموعاً بیش از یک میلیون نفر نیرو به جبهه اعزام خواهد شد." در همان هنگام نخست وزیر تاکید کرد: "امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متاثر از جنگ است." این سخنان همه در حاشیه و در تفسیر سخنان هاشمی رفسنجانی، در هنگام اعلام "استراتژی جدید جنگی" بود. رفسنجانی خطوط کلی این "استراتژی جدید" را در روز ۱۱ خرداد ۶۵ در سینما فرماندهان نواحی سپاه پاسداران اعلام کرد. وی پس از آنکه تلویحا نقشه جنگی عملیات خرد و ریز پس از حمله به فاو را بی حاصل خواند، تاکید کرد: "ما وارد مرحله جدیدی شدیم که به نظر می رسد باید نیروهای زیادی از خرد را تهییز کنیم. ... از ماه گذشته جذب نیروهای وظیفه را بیش از دو برابر کردیم. به علاوه شورای عالی دفاع تصویب کرد سپاه هایی که الان خدمت می کنند، دو ماه بر خدمتشان افزوده شود."

بدین سان دیده می شود که پایه نقشه جنگی تازه، تبدیل جنگ به آن چیزی بود که زمانی کوبلژ، وزیر تبلیغات میتر، آژا جنگ نام و تمام عیار نام نهاده بود. برای رژیم خمینی "بهره گیری از همه امکانات" و به عبارت دیگر حرکت به سمت جنگ تام، بر مبنای این سه محور استوار بود: ۱- بسیج هر چه بیشتر نفرات ۲- بسیج همه امکانات اقتصادی تا حدی که به قول فرمانده سپاه "ولو به تعطیل همه امور" منجر شود. ۳- به دست آوردن مقادیر هر چه بیشتر اسلحه از طریق رابطه مستقیمی که با آمریکا برقرار شده بود و از کانالهایی که از پیش وجود داشتند.

بسیج جنگی حول این سه محور تا پایان شهریور سال گذشته پیش رفت و در شروع هفتمین سال جنگ، مرحله به اجرا درآمد نقشه جدید جنگی، آغاز گردید. با آغاز کاز، طبیعتاً حالت بسیج جنگی نیز ادامه یافت.

کشتار بزرگ

در مهرماه سال گذشته، رفسنجانی اعلام کرد "در حال آماده

جنگ در هفتمین سال

بقیه از صفحه قبل

اقتصادی "خود را هم اعلام کرد. وزیر بازرگانی در تاریخ ۱۰ آذر در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "جنگ هدف اول و محور اصلی برنامه جدید اقتصادی است." در این سخن، ظاهراً حرف تازه‌ای نبود چرا که جنگ در گذشته نیز محور بود. اما محور قرار دادن جنگ در برنامه اقتصادی به عنوان یک پدیده جدید تنها این معنی را داشت که فلاکت توده‌گیر تشدید خواهد شد، برتروم و بهران افزوده خواهد گردید و در کارخانه‌های بیشتری تخته خواهد شد. بر مبنای این برنامه جدید اقتصادی بود که بودجه ارزی وزارت صنایع از ۲۰/۸ درصد کل بودجه سال ۶۲ به ۲۰/۷۲ درصد کل بودجه سال ۶۵ تقلیل یافت. تقلیل بودجه وزارت صنایع بدان معنی بود که باید تعداد بیشتری از کارگران اخراج شوند. کیهان ۸ اردیبهشت ۶۶ تعداد کارگرانی که در سهمیه اخراجی‌های تازه سال ۶۶ قرار گرفته بودند، ۷۵۰ هزار نفر ذکر کرد. در سال ۶۶ فلاکت توده‌گیر ابعاد وحشتناکی یافت. گرانی سر به فلک زد. رژیم به دست و پا افتاد و از ترس انفجارهای توده‌ای شیوه اتاق اصنافی مبارزه با گرانی زمان شاه را آنهم در قالبی قرون وسطایی، یعنی همراه با چوب و فلک، احیا کرد. "تعیین حکومتی" یقه خرده‌فروشان را گرفت و کوشید چنین وانمود سازد که تنها مشتی بقال و عطاری مسبب کمبود و گرانی هستند.

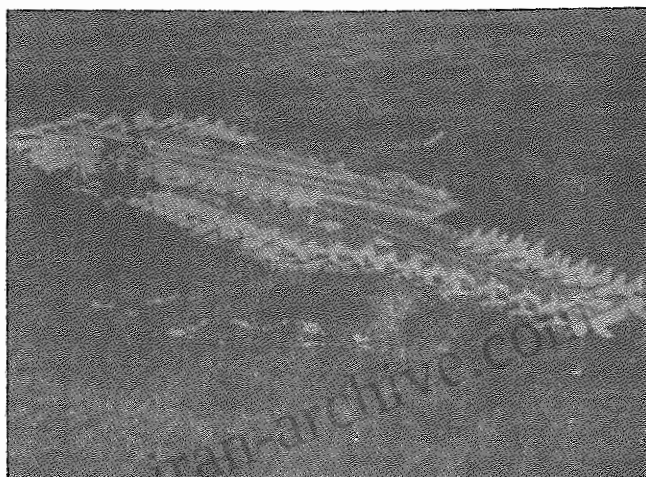
از آغاز سال جاری عامل فشار بین‌المللی بر روی جنگ با شتاب برجستگی یافت، در آغاز تابستان به کیفیت نوینی بدل شد، بر ناتوانی‌ها و درماندگی‌های رژیم در بعد داخلی، افزوده گشت و این ناتوانی‌ها و درماندگی‌ها را در سطح کیفی تازه‌ای به نمایش گذاشت. در این فاصله بخش مهمی از انرژی رژیم صرف درگیری‌های درون حکومتی شد. حزب جمهوری اسلامی منحل گردید و دعوای انتخابات مجلس آینده بالا گرفت. ظاهراً در زمینه سیاست جنگی وحدت کلمه برقرار بود. جنگ در نظام حکومتی حکم اصلی را دارد در کنار اصل ولایت فقیه. ظاهراً همه چنانچه به این هردو اصل اعتقاد دارند، اما همچنان که درگیری‌ها چماران‌رانی‌ها دارند، امکان ندارد به جلسه شورای عالی دفاع نیز کشانده نشود.

عامل فشار بین‌المللی

ما در شماره ۱۷۰ نشریه اکثریت نوشتیم: "فشار بین‌المللی برای پایان گرفتن جنگ به نحوی سابقه‌ای تشدید شده است. همه مولفه‌های این فشار از یک جنس نیستند و شام بردن از آنها در زیر مقوله عام فشار بین‌المللی نباید اختلاف ماهوی آنها را از نظر دور سازد. باید دقیقاً بین نیروهایی که به راستی خواهان صلحند و نیروهایی که با شعار صلح تشنج دیگری را مکمل جنگ هفت ساله کرده‌اند، تمیز قایل شد. در عرصه بین‌المللی بر سر جنگ ایران و عراق مانع‌دگر

مین جمع‌کن به منطقه فرستادند. اکنون تعداد کشتی‌های نظامی بیگانه در منطقه سرب ۶۰ فروند می‌زند که ۴۰ تای آنها آمریکایی است. آمریکا در منطقه بیش از ۲۵۰۰۰ سرباز متمرکز کرده است.

آمریکا بر آن است که حضور خود را در منطقه نهادی کند. پنتاگون اکنون می‌کوشد در یکی از کشورهای عربی منطقه یک مقر ثابت فرماندهی جنگی مستقر سازد و کشتی‌های جنگی خود را برای همیشه در منطقه نگه دارد. جنگ ایران و عراق و برپاستر آن جنگ نفت‌کش‌ها، برای آمریکاییان بهانه‌ای بیش نیست. حضور آمریکا در منطقه نه



در سال هفتم خمینی خدمت‌پزگی به آمریکا کرد. جنگ طلیخی خمینی ناوگانهای آمریکا را به منطقه فراخواند. عکس یک ناو جنگی آمریکایی در خلیج فارس را نشان می‌دهد

در برابر تشنج طلیخی خمینی، بلکه مکمل آن است.

اوج گردن‌کشی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا مانور مسخره‌شهادت در تنگه هرمز در روزهای ۱۲ تا ۱۶ مرداد بود. این مانور دقیقاً مورد استقبال آمریکا قرار گرفت و حکم مکمل "مانورهای ستاره درخشان ۸۷" در بحر احمر و خلیج عرب با شرکت آمریکا و متحدانش در منطقه را یافت. از همان آغاز مشخص بود که سیاست جمهوری اسلامی در قبال تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه حزم و احتیاط است. رژیم لشکر "مدافعان خلیج فارس" را به راه انداخت، دروسانهای گروهی جاورچنحال کرد و اینهمه به لاییدن‌های سک‌جیوش می‌مانست که از روی پشت‌پام به رگزاران پارس می‌کند و در همانحال دم تکان می‌دهد.

رژیم و کشورهای عربی

رژیم اکنون در منطقه در انزوا

به سر می‌برد. رابطه با کویت و عربستان کاملاً خصمانه است. کویت به خاطر هدف قرار گرفتن کشتی‌های تجاریش از سوی جمهوری اسلامی، فغانش بلند شد و آمریکا را به کمک فراخواند. تیرگی رابطه جمهوری اسلامی با کویت تاحدی پیش رفت که رژیم در اواسط ماه جاری در جریان اوج گرفتن جنگ نفت‌کش‌ها، چهار موشک به سوی سواحل کویت شلیک کرد.

شائله مکه رابطه احتیاط‌آمیز تهران با ریاض را به رابطه‌ای پرتش بدل ساخت. خمینی اعلام کرد که صدام اگر بخشودنی باشد، آل سعود بخشودنی نیست. عربستان در جریان کنفرانس اتحادیه عرب در تونس از رژیم خمینی تلافی گرفت. اجلاس اتحادیه عرب در اوایل شهریور، اگرچه نتوانست عفو کشورهای عربی در برابر جمهوری اسلامی را یکپارچه سازد، اما به هماهنگی این کشورها در برابر رژیم خمینی کمک کرد. در جریان این اجلاس و پس از آن لیبی، خاصه پس از سفر ناگهانی وزیر خارجه این کشور به بغداد، از تهران فاصله گرفت و با این فاصله‌گیری رژیم را در جهان عرب منزوی‌تر ساخت. جمهوری اسلامی ماند و سوریه. اما سوریه نیز چندان برای رژیم قابل اتکا نیست. مجلس در مفتی گذشته با تصویب لایحه تحویل یک میلیون تن نفت مجانی به سوریه، به این کشور پاچ داد. این پاچدهی به هیچ‌رو چاره‌ساز انرژی رژیم در منطقه نیست.

تلاشهای سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد از آغاز امسال تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق را در صدر برنامه‌های خود قرار داد. در اواخر اردیبهشت ماه شورای امنیت برای چندمین بار خواهان پایان یافتن جنگ شد. در جلسه ۲۹ تیر (۲۰ ژوئیه) شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسید. بر مبنای این قطعنامه از طرفین خواسته شد به جنگ خاتمه دهند، در جبهه‌ها آتش بس فوری برقرار سازند، به پشت مرزهای بین‌المللی باز گردند، مبادله اسرا را آغاز کنند و برای رفع اختلافات در پشت میز مذاکره بکوشند.

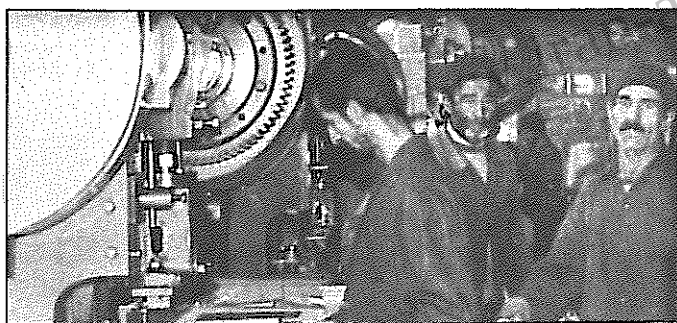
عراق بلافاصله قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، اما جمهوری اسلامی در تبلیغات داخلی آن را رد کرد و در اظهارات رسمی تأکید کرد که نه آن را رد می‌کند و نه می‌پذیرد. این برخورد مردانه البته نه بدان دلیل بود که رژیم در تلاش برای پایان یافتن

کارگران، قربانیان اصلی جنگ

تولید برخی از صنایع کشور و به ویژه صنایع سنگین را به سمت تولید جنگ افزار تغییر داد. نظامی شدن برخی از صنایع، بهانه آن واقع شد که دولت عراق در سال گذشته سیاست بمباران مراکز و واحدهای صنعتی را بیش از پیش دنبال کند. در هفتمین سال جنگ، تعداد بی شماری از کارگران کشور قربانی بمبارانهای مکرر هوایی رژیم عراق شدند. بمباران مراکز بزرگ صنعتی و خسارات ناشی از آن بی آمد سیاست انتقال پدافندهای ضد هوایی اطراف کارخانه ها به چپه های جنگ و برخی مراکز مورد توجه رژیم بود. تعطیلی و فعالیت با ظرفیت محدود کارخانه ها باعث آن گردید که بسیاری از کارگران کشور، شغل خود را از دست بدهند. سیاست های اخراج گسترده کارگران توسط مدیریت صنایع مختلف و در هماهنگی کامل با دولت و وزارت کار اجرا گردید. اخراج کارگران در هفتمین سال جنگ، بصورت باز خریدهای اجباری، اخراجهای فردی و گروهی جامعه عمل

اقتصاد جنگ زده حاکم بر کشور بر همه اقشار و طبقات اجتماعی به یکسان و به یک طریق اثر نمی گذارد. اقتصاد جنگ زده در مجموع بافت اقتصادی کشور، تأثیری دوگانه دارد. عملکرد و کنش این اقتصاد بیش از پیش بر شکاف طبقاتی جامعه ایران اثر می نهد. می توان به صراحت گفت که جنگ به مثابه یکی از عوامل اصلی و شدید بحران اقتصادی کشور، در عین آنکه باعث انباشت بی سابقه ثروت در دست بخشی از سرمایه داران کشور گردیده است، موجبات خانه خرابی و سیه روزی - تمامی حقوق بگیران ثابت و به ویژه کارگران را فراهم آورده است. اگر به مجموعه تأثیرات اقتصادی جنگ توجه داشته باشیم، می توان بیکمان بر این حقیقت پای فشرده که کارگران قربانیان اصلی جنگ بحساب می آیند.

در بی پروزی بحران حاد ارزی، رژیم که ناگزیر بود برای خرید جنگ افزار، وجوه ارزی کلاشی را هزینه کند به سیاست سرفه چوبی اکید ارزی در دیگر بخشهای اقتصادی و



به ویژه در صنایع روی آورد. سیاست اقتصادی رژیم موجب آن گردید که بسیاری از صنایع کشور به حالت تعطیل درآمده و برخی دیگر از صنایع با ظرفیتی به مراتب کمتر از قبل، به تولید بپردازند. رژیم صنایع کشور را به دو دسته، صنایع ارزش و صنایع کاربر تقسیم کرد. بخش عمده ای از صنایع سنگین کشور که از جمله صنایع ارزش بر حساب می آمدند تعطیل شدند و با درنوع تولید آن ها تجدید نظریه عمل آمد. دیگر صنایع کشور که نیاز به مواد اولیه و لوازم بدکی و ماشین آلات داشتند نیز به شدت صدمه دیدند. میزان ارز اختصاصی به وزارت صنایع سنگین به یک دهم ارز مورد نیاز کارخانه های زیر پوشش این وزارتخانه کاهش یافت و همچنین تنها یک ششم ارز مورد نیاز وزارت صنایع تامین شد. رژیم از سوی دیگر خطوط

پوشید. این در حالی بود که پناه به نتایج سرشماری عمری نفوس و مسکن، همه ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می گردد. بیکاری فزاینده و اخراجهای گسترده، به تنهایی قادر نخواهند بود که اوچ فشارهای اقتصادی وارده به کارگران را توضیح دهند. بلکه تورم لجام گسیخته نیز موجبات سیه روزی کارگران - اعم از بیکار و یا شاغل - را فراهم آوردند. قدرت خرید کارگران در هفتمین سال جنگ، در مقام مقایسه با سالین قبل پشودت کاهش یافت. در حالی که پهای کالاهای پشودت در حال افزایش است ولی مسئولین مملکتی با بهانه جلوگیری از تشدید تورم، از افزایش دستمزد کارگران تن می زنند. دستمزد کارگران ساده از سوی وزارت کار ۷۶ تومان در روز اعلام شده است.



بصره و کربلا و بغداد پایه ای پیش نیست. رژیم باز کوشید کربلاها را تکرار کند، اما نتوانست. درماندگی رژیم پیش از هر هنگام دیگری به جلوه درآمد.

* دوره سوم، دوره جنگ در فاز بین المللی - در این دوره که مشخصاً از اوایل تابستان امسال آغاز می شود، فشار بین المللی بر روی جنگ فزونی گرفت و از یک تأثیر کیفی برخوردار شد. این فشار بر فشارهای داخلی - اجتماعی و اقتصادی - و درماندگی نظامی افزوده گشت و به ناتوانی رژیم چنان باری داد که اکنون می بایست عزیمتگاه هر تحلیلی از وضعیت جدید قرار گیرد.

بنابر این ما در آستانه سال هشتم جنگ با فضای کیفی متفاوتی از وضعیت سال گذشته مواجه هستیم. این جوهره جمع بند ما از رویدادهای سال هفتم جنگ است. در همینجا طبیعتاً این پرسش مطرح می شود که چه خواهد شد؟ یک چیز مشخص است، سال هفتم، کمابیش همچون سال ششم بود و سال ششم، همچون سال پیش از آن. اما سال هشتم، سال هفتم نخواهد بود، پس چه خواهد بود؟ در این سال چه خواهد شد؟

مادر مقاله "جنگ، بیلانی از روندهای تازه" مندرج در همین شماره نشریه کوشیده ایم تا احداکمان به پرسش "چه خواهد شد؟" پاسخ کرییم و دست کم جوابش آن را بیاوریم.

جنگ عناصر مثبتی می دید. این برخورد به روشنی حکایت از آن داشت که رژیم در برابر فشار بین المللی درمانده گشته است، می کوشد سر بدهد و وقت گذرانی کند.

روند تازه

جنگ از اوایل تابستان امسال وارد روند تازه ای شد که مهمترین مشخصه آن برجسته بودن عامل بین المللی است. با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت چشم انداز مساعدتری در برابر این روند گشوده شد. با روشن شدن ناتوانی ها و درماندگی های رژیم، واژه صلح بار ملموس تر و برپتین تری یافت. در روند تازه تنها افکار عمومی بین المللی علیه رژیم

بیچ شد. فشار بین المللی جلوه های سیاسی و اقتصادی نیز پیدا کرد و در عرصه جهانی مدام سخن از تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی به میان آمد. فشار سازمان ملل، انزوای بین المللی، صف آراییهای منطقه، همه و همه رژیم را در تنگنا قرار دادند. رژیم با ژرم تقلل زد و با ژرم تقلل می زند. خمینی سال ۶۶ را نیز سال جنگ اعلام کرده بود و در روز ۲۵ فروردین در آستانه به جلوه درآمدن عناصر عمده دخیل در روند تازه، بانگ برداشته بود که "جنگ ممکن نیست پایان باید". جنگ ممکن نیست پایان باید، اما عرصه بر جنگ طلبان می تواند آسان تنگ شود، که توان جنگاوری آنان روبه پایان نهد.

جمع بند

سال هفتم جنگ را می توانیم به سه دوره تقسیم کنیم،

* دوره اول، دوره بیچ جنگی - در این دوره رژیم امید داشت که با استفاده از حداکثر بیچ جنگی در چپه ناحیه بصره یک ضربه کاری بر عراق وارد سازد. رژیم همه توان خود را به کار گرفت و برپایه استراتژی جنگ تمام عیار، کربلاهای ۴ و ۵ و ۶ را طرح ریوی کرد.

* دوره دوم، دوره پس از کربلا - کربلاها نشان دادند که جنگ راه حل نظامی ندارد و داعیه فتح

مدارس به پادگانهای نظامی تبدیل شده‌اند

بقیه از صفحه آخر

تداوم عملیات "لشکریان محمد" پیچ شده بودند با سلاح و مهمات خود در باتلاقهای جنگ به گن نشستند. دهها هزار تن کشته شدند و بهر معدودی بقیه بازماندگان، اسیر، معلول و مفقود الاثر گردیدند.

به گفته کتیرابی معاونت جنگ آموزش و پرورش ۶۵ درصد "سپاهیان مهدی" و ۷۵ درصد لشکریان هلاک شده "محمد" را دانش آموزان تشکیل می دادند. به تاکید وی، "در سالهای اخیر سالیانه حدود ۱۲۰ هزار نیرو از فرهنگیان و دانش آموزان به جبهه‌ها اعزام شده‌اند". این آمار اگر چه به عمد، کمتر از ارقام ارائه شده از سوی اکرمی وزیر آموزش و پرورش ذکر شده است، خود بیانگر چگونگی جنگ طلبی و سهیبت رژیم است که تاکنون صدها هزار جوان کشور را به کام عفریت مرگ و نیستی سپرده است.

ساختن در شعله‌های جنگ کثیف خمینی و صدام حسین تنها به جبهه محدود نبوده و نیست. در هفتمین سال جنگ، مرگ در هیات هواپیما بر آسمان هر مدرسه و محله‌ای از شهرهای کشورمان در کمین بوده است. در فاصله دی تا اواسط بهمن‌ماه، هواپیماهای عراقی به تلفاتی اقدامات جمهوری اسلامی، مراکز مسکونی کشورمان را مورد یورش وحشیانه قرار دادند. در این حملات مراکز تجمع مردم بویژه مدارس و بیمارستانها آماج اصلی بودند. در این بمبارانها مدارس تهران، پروچرد، میانه، باختران، ارومیه، تهریز، ایلام، سردشت، دزفول، قم و ... مورد اصابت قرار گرفتند. در ارومیه ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه هر یک با بیش از ۱۰۰۰ دانش آموز از نژادیک، به رگبار مسلسل پسته شدند. در یک مورد بمباران ۶۵ تن در پروچرد، ۶۸ نفر در میانه، ۲۶ نفر در ایلام غرقه به خون گردیدند. خود رژیم در همان زمان بمباران ۹ مدرسه و دانشگاههای ملی و تبریز را تایید کرد.

با بمباران شهرها، مدارس تعطیل و فعالیت آموزشی متوقف گردید. تلاش رژیم برای بازگرداندن دانش آموزان به مدارس برای عادی جلوه دادن اوضاع و برپایی نمایش تبلیغی موثر نبود. در برخی شهرها، از جمله ماهشهر، سرپندر و اردبیل دانش آموزان در مقابل یاتباری مسئولان برای ماندن در

مدرسه، دست به تظاهرات زدند.

رژیم خمینی در کشتار فجیع دانش آموزان و عزاداری مردم به دنبال جای‌یابی برای تبلیغ و ترویج جنگ طلبی خود بود. از همان زمان زمره راه اندازی لشکر جدید "صاحب الزمان" آغاز شد. نیروهایی که با عنوان لشکریان صاحب الزمان گرد آورده در نیمه اردیبهشت روانه جبهه گردیدند.

پایبای فجایع فوق، تبدیل مدارس به پادگان نظامی نیز بیکرانه دنبال شد. تا اسفندماه اقدامات متعددی در برخی مناطق صورت گرفت و اجرای طرح آموزش نظامی دانش آموزان آغاز شد. اکرمی در ششم اسفند ماه سال گذشته برنامه‌های وسیع جمهوری اسلامی را برای گسترش طرح نظامی کردن مدارس در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ اعلام داشت. همزمان با آن عوامل رژیم در قم خواستار برپایی گردانهای انتظام دانش آموزان، برای اعزام به جبهه‌ها شدند. و وزیر آموزش و پرورش آغاز "برگزاری مسابقات تفرمائی آمادگی جسمانی دانش آموزان" را اعلام کرد. هدف، آماده ساختن دانش آموزان برای رفتن روی میادین و سایر عملیات انتحاری بود.

چند روز بعد، روزی دهم اسفند مسئول ستاد پشتیبانی جنگ، وزارت آموزش و پرورش اطلاع داد در مدارس "سازمان رزمی" ایجاد خواهد شد. این طرح تا اواسط اسفند ماه در مدارس استانهای زنجان، اصفهان، یزد و شهر اراک به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شد. مطابق این طرح، در اصفهان دبیرستان "شهادت ادب" در مجموع تشکیل یک تیپ پشتیبانی برای لشکر امام حسین را می‌دهد که دارای گردان‌ها و گروهانهای جداگانه است. آموزش نظامی و صبح گاه هر روز به مدت نیم ساعت اشجام می‌شود و این علاوه بر ساعات درس نظامی است. همین روش از آغاز سال تحصیلی جاری در مدارس سراسر کشور اجرا خواهد شد. اکرمی وزیر آموزش و پرورش تاکید داشت با اجرای این طرح، دانش آموزان با لباس نظامی در کلاس حاضر شوند.

گسترش نفرت و انزجار عمومی از رژیم و بویژه ارگانهای سرکوبگر آن به جایی رسید که کمتر مشمول

وظیفه‌ای حاضر است در سپاه دوران خدمت سربازی خود را طی کند. در مدارس نیز انجمن‌های اسلامی هر چه بیشتر منفور و منزوی شدند. سپاه پاسداران برای رهایی از این وضع طرح چنایتنکارانه پاسدار-دانش آموز را به راه انداخت تا هم کادر مورد نیاز خود را تامین کند و هم "چشم و کوش" هایی را برای تحت نظر قرار دادن دانش آموزان فراهم آورد. به کسانی که به این طرح می‌پیوستند ماهیانه تا ۱ ریال و به چهارنفر از افراد تحت تکلف آنها ماهیانه ۵۰۰۰ ریال تعلق می‌گیرد. برای دوران فارغ التحصیلی نیز تسهیلات دیگری منظور شده است. راه انداختن این طرح چنایتنکارانه که بر زمینه نیازهای مادی و فقر صورت گرفته است جلوه‌ای از مخالفت مردم با رژیم و بی‌اوه بودن هیاموی تبلیغاتی "پسپج‌های داوطلبانه" آن است.

رژیم صریحا اعلام کرده است در دانشگاهها جایی برای مخالفین جنگ وجود ندارد. فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی روز ۱۲ آذر در نشست با معاونان و کارشناسان دانشگاههای کشور نسبت به افزایش سهمیه ارگانهای نظامی تاکید کرد و اعلام نمود "من به عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعتقاد دارم صد درصد ظرفیت دانشگاهها باید از میان کسانی باشد که جبهه و جنگ را دیده و ایمان و اعتقاد خود را به اسلام عمل نشان داده باشند".

به اعتبار همین مواضع سال گذشته باز هم بر تعداد ارگانهای سرکوبگر صاحب سهمیه و مجموع سهمیه ارگانهای وابسته به رژیم افزوده شد. در سال تحصیلی گذشته قریب به ۴۰ درصد ظرفیت ۴۵ هزار نفری دانشگاهها، به ارگانهای حکومتی اختصاص یافت. ۱۸ هزار تن از این عده پسپیج‌هایی بودند که در ازای ۲ ماه حضور متوالی و ۹ ماه شرکت متناوب در عملیات وارد دانشگاه شدند. برعکس، هر سر راه سایر داوطلبان موانع جدیدی ایجاد گردید. منابع تحقیق از ۴ منبع به ۶ منبع افزایش یافت و در همه پرسشنامه‌های پذیرش این سؤال طرح گردید که:

سآپا به جبهه رفته اید؟

سپه چه دلیل به جبهه رفته اید؟

سدرمیان برادران شما چند نفر به سن

مشمولیت رسیده‌اند؟

سپه چه دلیل به جبهه رفته‌اند، الان چکار می‌کنند؟

سچند نفر از افراد خانواده با اقوام شما در جبهه کشته یا مفقود الاثر شده‌اند؟

در شش ماه گذشته بکیر و بپند مشولان غایب ادامه داشت. در این مدت پاسداران، ژاندارم‌ها و کمیته‌چی‌ها و سایر ارگانهای سرکوب بر دامنه فعالیت خود جهت شکار جوانان افزودند. در اعلامیه‌های منتشره از سوی این ارگانها، فراریان و پناهندگان به آنان به مجازاتهای سنگین تهدید شدند. کشتیهای مختلف در مرکز و شهرستانها مدام در جستجوی جوانان مشمول غایب و فراری بودند و هستند. در تهران بارها سرکوبگران سربازگیر رژیم در مراکز پررفت و آمد شهر نظیر میدان انقلاب، بهارستان، توپخانه، حوالی بازار، امیریه، میدان آزادی و سایر محل‌های تجمع جوانان به کمین نشستند. چندین بار در جریان این گونه عملیات آدم ربایی علنی، میان مامورین و مشولان و شادان صحنه درگیری رخ داد. بررسی گزارش‌های یک‌ساله نشان می‌دهد پاره‌ای از مشولان به هنگام فرار از دست مامورین و از پادگانهای آموزشی کشته شده‌اند. که نمونه‌هایی در شهرهای جهرم، اوز شیراز، طالقان، رشت و خیابان‌های خاوران از آن جمله‌اند. در فروردین‌ماه برای کشتاندن دانشجویان به مسلخ جنگ، طرح دانشگاه در جبهه ارایه شد. در این طرح برای دانشجویانی که سه ماه در جبهه حضور یابند تضمین قبولی داده شده است.

در آخرین نشست شورای پشتیبانی جنگ که هفته اول شهریور سال جاری برگزار شد، آموزش نظامی دانشجویان دانشگاه شیز به عنوان واحدهای درسی جدید که همه ملزم به گذراندن آن هستند، به تصویب رسید و به این ترتیب پای پاسداران مسلح رژیم به محیط آموزشی دانشجویان نیز پیش از پیش باز شد.

در سالی که گذشت مدت خدمت نظام وظیفه نیز از دو سال به ۳۰ ماه افزایش یافت. نظام وظیفه عمومی اعلام کرد که سربازان باید یکسال از مدت خدمت خود را با ایجاد در منطقه عملیاتی بگذرانند و کسانی که از طرف شورای عالی دفاع و یا از نظر پزشکی مشمول خدمت غیر رزمی می‌شوند بایستی شش ماه بیشتر از دیگران خدمت کنند. معنی این تصمیم آن بود که حتی کسانی که خدمت ۲ ساله را سپر برده‌اند برای ۶ ماه دیگر در بیم و امید اعزام به جبهه به سر برند.



دهان گشاده مرگ

چندان از طلوع نکدشته بود و سایه زندگی بهمان خود زندگی، بی‌رمق و کم رنگ می‌نمود. همه را، که شاری بودند از جوانانی که آرزو تازه در دلشان به جوانه نشسته بود، بنام می‌خواندند و بر اتوبوس‌های وحشت می‌نشانند. بلندگوهای پادگان نوا می‌نزد ستایش مرگ و کشتار را تهوع می‌کردند. مأمورین سیاسی و عقیدتی، روان و رخسار تازه واردان را سخت می‌کاویدند، تا مگر شئونات اسلامی از کژند "کج اندیشان" در امان ماند. در دوسوی شیشه‌های شنناک اتوبوس، چهره‌های ماتم زده‌ای یکدیگر را واری می‌کردند، چهره مادران، چهره پسران. تبسم به اجبار فروغ‌طیده به لبانشان، گن‌گن نگرانی دویده در چشمانشان را بی‌اثر نمی‌کرد. این آن تک لحظه‌ای بود که همه، بی‌گمان همه، به یک چیز می‌اندیشیدند، اندیشه‌ای سخت جانسوز، آیدادار مچودی در بین خواهد بود؟

* * *

همه، و بی‌گمان همه، چه آفتان که به بدرقه آمده بودند و چه آفتان که مرگ انتظارشان را می‌کشید، بر کلاشته‌های دور و نزدیک چنگ می‌کشیدند، چرا که آینده، تا بلوی عیناک پیش نمی‌توانست باشد. سادرده‌های زایش، این دردهای سخت و طاقت‌فرسا را، دردهای شکن‌گیری شخصیت فرزندش را در دستان بهرنج آمیخته خود، تجربه کرده بود و اینک از اندیشیدن به سرانجام این زایش برخود می‌لرزید.

* * *

ارابه‌های "سپاهیان محمد" به راه افتادند. گلخنده‌های دروغین که معنائی دردناک را به ثمر نشسته بودند، در آخرین مکان دیده بر لبان فرو خشکیدند و رگبار اشک که در آنسوی چشمان خیمه زده بود، در گرفت. کاروان دور شد، نگاه اما بر راه خیره ماند، آیا از اربه‌ها باز خواهند گشت؟

* * *

اتوبوس پس از چند شمای خیا بانی، راه جاده‌های بیابانی را در پیش گرفت. گرد و خاک برآمده، چون ابر تیره و تاری، بر دید قربانیان جدید، برده می‌کشید. رشته اندیشه راهبان چنگ را چیزی از هم نمی‌گست، گرچه اتوبوس را نوا نوحه‌های مذهبی نواری چند ز در چهره گرفته بود. سکوت برپیکر عده‌ای سایه افکنده بود و هیاموی آن دیگران، خود نمادی از انبوه نگرانی بود که به جسم و جانسان سلطه داشت. آنچه که پیش از این جدی نبود، جدیت یافت و آنچه کم اهمیت جلوه می‌کرد، مهم شد. چه هر کس گشته‌ای را، دفتر نانوشتن خاطر آتی را با خود به یکد می‌کشید، حال آنکه آینده در برابر آینده‌شان علامت سؤال نهاده بود.

* * *

کنار پنجره نشسته بود، جوان و کم تجربه. اما آنچه را که به چشمان خویش دیده بود به خاطر سپرده بود. چشمانش هرگز به اودروغ نگرفته بودند و اونیز هرگز به فریب خویش، حقایق را دروغ ننمیده بود. دریافته‌ای اجتماعی اش را منطقی حکومت می‌کرد که با منطق شب پرستانه و خون آلوده رژیم مخوانی نداشت. با خود می‌اندیشید، به سرنوشتی که بدان گرفتار آمده بود، به آینده‌ای که پرده‌ور از آرزوهایش می‌گریخت. در خود چیزی چسته بود و چیز دیگری یافته بود. هیچگاه چون امروز، معنای واژه "اجبار" را در نیافته بود. درهای امکان چمکی فرو بسته، اما دهان گشاد مرگ گشاده، هر چه در انبان احساسش، امید به زنده ماندن، به پستو و نهانگاه می‌خزید، نفرت و افزاجار در وجودش فرو می‌گرفت.

به چهره نوجوانی که در ردیف جلویش نشسته بود، زل زد. به نوجوانی که شعله کشتن و کشته شدن در وجودش لهیب می‌کشید، به رخسار سراسر مخ شده او به حال خود و افسوس خورد.

* * *

اتوبوس "سپاهیان محمد" آنگاه که مرز بازگشت به زندگی را در نور دید، از نفس افتاد. مرده‌واره‌ای فریاد برآورد که سپاهیان تازه نفس رسیدند. شیدان با دهان به کف آمده، فرار رسیدند تا محسنت زندگی در آنسوی زندگی را در روان قربانیان جدید تازه از ره رسیده، فرو کنند. رخسار جوان از خشم بزبان نیامده اش به بغض نشست. دندانه‌ها فشرده شد... راه بازگشتی در بین نبود.

* * *

شمایش تعلیمات نظامی پیش از حضور در جبهه، برپه درازا کشیده شد. سریالی از اطلاعات بی‌حاصل نظامی، و تکرار چند حرکت جنگی که هرگز در یک جنگ واقعی تکرار نخواهند شد. شب پرستان سیه چهره، به پرواز کردن روح قربانیان جنگ شهره اند. تکرار افسانه‌های مذهبی، تحسین بایداری تا نفس آخر، وعده‌های بهشتی که قرار است بر فراز ویرانه‌ها و کشته‌ها پنا شود. جوان با خود اندیشید، در جنگ، آنگاه فرماندهان، شجاعت و دلاوری را به تحسین می‌نشینند که

دست از جنگ افزار تپه باشد. جوان با خود زمزمه کرد، تبلیغ زندگی فراسوی زندگی، تبلیغ مرگ است.

* * *

روز تلافی محور مرگ و زندگی فرار سپید. دستور حمله و تصرف تپه‌ای را که ارتفاع استراتژیک می‌نامیدندش صادر شده بود. موعظه لاشخورانی که برای مرگ قربانیان جدید و برای کسب افتخار خویش، لحظه شاری می‌کردند، آغاز شد. فرماندهان که در جای امن به سنگر اطمینان نشسته بودند، برای سربازان نگویند بخت، ردیف توصیه‌ها را بر می‌شماردند. جوان از آنانی که تا کنون زندگی‌شان را در کام مرگ پس انداز کرده بودند، شنیده بود که تصرف ارتفاع استراتژیک، اشغال تپه‌ای بی‌مصرف پیش نیست که با نخستین حمله هوایی دشمن از دست می‌رود. شنیده بود و سخت بدان باور داشت.

* * *

شب که از نیمه گذشت، زمان مرگ آینده در حال، آغاز شد. تردیدها دور چندان گردید و بسیاری زندگی خود را به مرگ پیش فروش کردند. چند صد متر بود یا چند کیلومتر، هیچکس ندانست. فرماندهان و برادران که نه، سپاهیان در جلد شب فرو رفتند. پیچ‌ها، زمزمه‌ها... رگبار. بوی خون و باروت درهم آمیخت. به درختهای آرزو، خون لخته شد. کسانی که بر تپه فراز آمده بودند باز می‌گشتند و هر کس به سویی می‌دوید، صدای ناله انسان و جنگ افزار درهم گره خورده بود. چند دقیقه بود و با چند ساعت، کسی ندانست. سحرگاه... در کنار تپه استراتژیک، کشته‌ها تپه شده بودند.

* * *

کسی مرده‌ها را شماره نمی‌کرد، جز او. جوان بر گوشه‌ای از دیوار قرارگاه، چوب خط می‌زد. هر مرده، یک چوب خط.

* * *

شمار مردگان از شمار زندگان مدام پیشی می‌گرفت. جوان دیگر چوب خط نمی‌زد. مردگان را دیگر هیچکس شماره نمی‌کرد.

* * *

چند روز گذشت یا چند ماه، کسی نمی‌دانست. اربه سپاهیان "لهیبک یا امام" رسید. مرده‌واره‌ای فریاد برآورد که سپاهیان تازه نفس رسیدند. شیدان با دهان به کف آمده، فرار رسیدند تا محسنت زندگی در آنسوی زندگی را در روان قربانیان جدید تازه از ره رسیده، فرو کنند... رخسار جوان از خشم به زبان نیامده اش به بغض نشست، دندانه‌ها فشرده شد... راه بازگشتی در بین نبود.

* * *

روز تلافی محور زندگی و مرگ فرار سپید. دستور حمله و تصرف تپه‌ای را، همان تپه‌ای را، که ارتفاع استراتژیک می‌نامیدندش صادر شده بود. موعظه لاشخوران... و توصیه‌های فرماندهان که در جای امن سنگر گرفته بودند...

* * *

جوان به اتاق فرمانده، برادری که شجاعت را تنها در دیگران تحسین می‌کرد، پناه داد. کلید را در قفل چرخاند. فرمانده مجال ناله نیافت و در خون در غلطید. برادری بر پشت در می‌کوبید. جوان تفنگش را بالا برد و تمثال امام را نشانه رفت. برقی آمیخته در فرور در چشمانش که پشت مگسک نشانه رفته بود، درخشیدن گرفت. ماشه را چکاند، شیشه قاب فرو ریخت و برپیشانی امام حفره‌ای سیاه نشست. جوان از پنجره نیمه باز، غیث زد.

مروری بر اعتراضات بشریت ترقیخواه علیه تداوم جنگ ایران و عراق در سال گذشته

در سال گذشته محافل و مجامع بین‌المللی، احزاب، سازمانهای مترقی و نیز شخصیت‌های مبارز و صلح‌دوست کشورهای گوناگون جهان به مناسبت‌های مختلف، مخالفت خود را با ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق اعلام نموده و خواهان پایان دادن به این فاجعه هولناک شدند.

اعتراضات نیروهای مترقی و صلح‌دوست که مبارزات پیگیرانه نیروهای پیشرو و انقلابی ایران منجر به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در گسترش آنها نقش ارزنده‌ای ایفا نمود، بیان صریح نفرت و خشم عمومی افکار جهانیان از کشتار خلیج‌های ایران و عراق و انزوای فزاینده رژیم جنگ افروز خمینی است.

محورهای اصلی خواستهای جهانیان برای پایان دادن به جنگ عبارت بودند از:

آتش‌بس فوری در جبهه‌ها
- احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دو کشور
- خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس

در زیر چند نمونه برجسته از اعتراض جهانیان علیه تداوم جنگ ویرانگر ایران و عراق را که در شماره‌های متعدد نشریه اکثریت به چاپ رسیدند، مرور می‌کنیم.

* قطعنامه صلح "آمریکا، هربرت ایتنر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا، حقوق‌دان و محقق برجسته جنبش کارگری و کمونیستی آمریکا، آنجلادایویس و مایکل مایرسون صدروای صلح آمریکائیتنی چند از دیگر شخصیت‌های مترقی و صلح‌دوست و همچنین ۱۴ سازمان صلح‌دوست با صدور قطعنامه‌ای خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدند. (اکثریت شماره ۱۲۷)

* گردهمایی صلح در اسپانیا، از سوی "کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق" با شرکت مارکوس کونا نماینده حزب کمونیست اسپانیا، این

گردهمایی در تاریخ ۲۹ شهریور و در مادرید برگزار شد. (اکثریت شماره ۱۲۹)

* قطعنامه یازدهمین کنفره جهانی سندیکاها درباره جنگ ایران و عراق. این کنفره که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار گردید، همه نیروهای دموکراتیک و صلح‌دوست و جنبش جهانی سندیکاها را به تشدید تلاش برای برقراری صلح عادلانه میان ایران و عراق فراخواند. (اکثریت شماره ۱۳۱)

* بیانیه هفت حزب هندوستان علیه ادامه جنگ ایران و عراق. در میان نام این احزاب و سازمانها اسمی زیر به چشم می‌خورد:

حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان، حزب سوسیالیست انقلابی، جبهه پیشرو سراسری هندوستان... (اکثریت شماره ۱۲۸)

* طنین فریاد صلح خواهی مردم ایران در "کنفره جهانی صلح"، در این کنفره که از پانزدهم تا نوزدهم اکتبر در دانمارک برگزار شد، یک هیئت نمایندگی از سوی سازمان ما شرکت داشت. شرکت کنندگان در این کنفره پس از استماع سخنرانی اعضای هیئت نمایندگی سازمان درخواست قطع فوری جنگ و جلوگیری از گسترش آن به درگیری‌های وسیعتر تاکید کردند. (اکثریت شماره ۱۳۱)

* ارسال پیام و تلگراف حزب کمونیست اسپانیا، اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا، جبهه مبارزه برای صلح، انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا... هر کدام طی پیام‌ها و تلگراف‌های جداگانه‌ای به کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق، جنگ تبهارانه ایران و عراق را محکوم کردند. (اکثریت شماره ۱۳۲)

* بیانیه مشترک هواداران ۲۱ سازمان سیاسی در یوگوسلاوی علیه ادامه جنگ ایران و عراق. این بیانیه

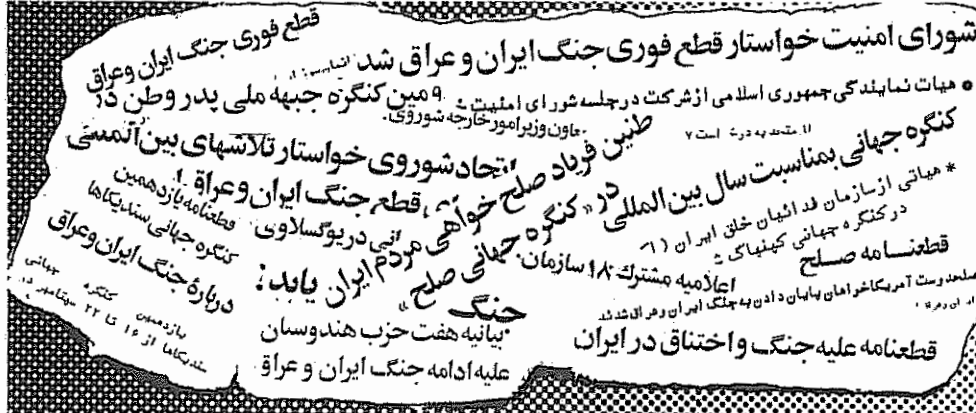
که سازمان حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست عراق، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست سودان و... در یوگوسلاوی آنرا امضا کرده‌اند، تداوم جنگ را تنها به سود امپریالیسم و صهیونیسم ارزیابی کرد. (اکثریت شماره ۱۳۴)

* کنفرانس بین‌المللی برای صلح، امنیت و توسعه در آسیا. در این کنفرانس که روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر در فیلیپین برگزار شد، در بیانیه‌ای بر ضرورت پایان دادن به جنگ خائنانه‌سوز ایران و عراق و قطع فروش تجهیزات نظامی به ایران تاکید شد. (اکثریت شماره ۱۳۶)

* بیانیه مشترک سازمانهای دانشجویی ایران، عراق، ترکیه و پاکستان. این بیانیه که در اجلاس جهانی "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" صادر شد، جنگ ایران و عراق پشدم محکوم شد. در این اجلاس سازمانهای دانشجویی ۹۵ کشور با امضای طوماری از مبارزه مردم ایران و عراق علیه جنگ اعلام پشتیبانی کردند. (اکثریت شماره ۱۳۱)

* بیانیه شرکت کنندگان در دوازدهمین کنفره فدراسیون ملی زنان هندوستان این کنفره، با صدور بیانیه مشترکی قطع فوری جنگ خائنانه‌سوز ایران و عراق را محکوم کرد. بیانیه مشترک به امضای نمایندگان ۱۴ سازمان زنان منجمه فدراسیون ملی زنان هند، فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات، کمیته زنان شوروی، فدراسیون دمکراتیک زنان جمهوری دمکراتیک آلمان، شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و... رسیده بود. این سازمانها همچنین ارسال سلاح از سوی دولت ریگان به ایران را تقبیح نمودند. (اکثریت شماره ۱۴۱)

* شورای امنیت سازمان ملل از ایران و عراق خواست بلادرنگ جنگ را متوقف سازند.



همچنین رئیس جنبش غیرمتعهدها نگرانی عمیق این جنبش را از تداوم جنگ ایران داشت (اکثریت شماره ۱۴۲)

* ایتالیای جنگ ایران و عراق مسابقه مرگ. بنا به دعوت صلح‌دوستان کاتولیک استان بازلیکاتا در ایتالیا و کمیته صلح ایران و عراق در ایتالیا آکسیونهایی بمنظور افشای سیاستهای ضدخلقی و جنایات جنگی رژیم‌های خمینی و صدام حسین و نقش امپریالیسم آمریکا در تداوم جنگ برگزار شد. (اکثریت شماره ۱۴۲)

* ۱۴ سازمان دانشجویی جهان در ششمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هند، ادامه جنگ و ارسال سلاح به ایران را محکوم کردند. این سازمانها با صدور قطعنامه‌ای خواهان قطع فوری جنگ شدند. اسمی برخی از سازمانهای امضاکننده قطعنامه عبارت است از:

شورای دانشجویان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (کسمومول)، فدراسیون سراسری دانشجویان چین، اتحادیه دانشجویان مغولستان، کنفره ملی آفریقا (بخش دانشجویی)، سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان، فدراسیون دانشجویان هند، سازمان دانشجویان پیشگام ایران و... (اکثریت شماره ۱۴۲)

* کمیته یونانی برای همبستگی دمکراتیک جهانی طی پیامی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد رابطه جنگ و اختناق در ایران را مورد ارزیابی قرار داد. (اکثریت شماره ۱۴۴)

* آندره گرومیکو صدرهیات رئیس شورای عالی اتحاد شوروی، ایران و عراق را به امضای قرارداد آتش‌بس فراخواند. (اکثریت شماره ۱۴۶)

* کنفرانس مشترک پیرامون جنگ ایران و عراق در پارلمان اروپا. این کنفرانس روز ۱۷ مارس و به

درواه بسیج گسترده تر افکار جهانیان علیه جنگ ایران و عراق

هفت سال است که پنجه خورشید جنگ ارتجاعی ایران و عراق بر هستی هم میهنان ما چنگ افشاده است نزدیک به یک میلیون نفر کشته و صدها هزار نفر معلول و مجروح شده اند. رژیم خمینی با تداوم دیوانه وار این جنگ، ویرانی عظیم، بیکاری وسیع، گرسنگی، آوارگی، بیماری و فقر هلاکتباری را به مردم ما تحمیل کرده است.

نیروهای مبارز و مردمی ایران پیشاپیش صفوف توده های رنج دیده و وطنان بیکار خستگی ناپذیری را علیه این جنایت تاریخی به پیش می برند.

در خارج از کشور مبارزات افشاگرانه فداییان خلق و دیگر نیروهای انقلابی ایران، اعتراض وسیع بشریت ترقی خواه علیه تداوم این جنگ را برانگیخته و جمهوری اسلامی را بشدت منزوی کرده است. صفحات نشریه اکثريت طی سال گذشته جلوه های بارزی از اعتراضات جهانیان علیه این فاجعه شوم را منعکس نمود. باید با بسیج گسترده تر افکار عمومی جهانیان این اعتراضات را بسان چوبهارانی بر شتاب در سیلاب واحد اعمال فشار علیه رژیم خمینی ترکیب کرد. ملل کیتی با وادار کردن دولت ها به شرکت در اقدامات مشترک بین المللی برای جلوگیری از ادامه خورشیدی در ایران و عراق، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی خواهند کرد. اینجاست که اهمیت بسیج افکار عمومی مردم سراسر کیتی روشن تر می شود.

پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، رژیم خمینی در عرصه سیاست بین المللی در موضع تدافعی قرار گرفته است. زمان، زمان تهاجم هر چه بیشتر است.

درواه بسیج گسترده تر افکار جهانیان علیه جنگ مبارزه کنیم. درفش صلح را پرتوان تر از همیشه به امتواژ در آوریم و همراه با مردم سراسر کیتی و ایرانیان مبارز و صلح دوست خارج از کشور، به یاری جنبش صلح خواهانه هم میهنان مان بشتابیم. ما رژیم خمینی را به زانو در خواهیم آورد. بهار صلح و آزادی ایران عزیز ما را شکوفه باران خواهد کرد.

راهپیمایی صلح



روز اول سپتامبر، بمناسبت سالگرد آغاز جنگ جهانی دوم راهپیمایی عظیمی از طرف اتحادیه سندیکای کارگری آلمان در برلین غربی انجام گرفت. این روز بنام روز ضد جنگ نامگذاری شده است نیروهای شرکت کننده در شعارهای خود با محکوم کردن جنگ افروزیهای امپریالیسم آمریکا و آلمان، قطع جنگ هسته ای و برقراری صلح را خواستار شدند.

فدائیان خلق در برلین غربی و توده های، ضمن شرکت در این راهپیمایی جنگ ایران و عراق را محکوم کردند.

در عکس فوق، پر پلاکارد فدائیان خلق برلین غربی شعار "جنگ ایران و عراق صلح جهانی را بخطر می اندازد" نوشته شده است. در پایان این راهپیمایی، شرکت کنندگان مقابل خانه اتحادیه سندیکای کارگری آلمان تجمع کرده و با خواندن قطع نامه ای خواهان جمع آوری سلاحهای هسته ای شدند.

شود. در این جشنواره قطع نامه ای با عنوان قطع فوری جنگ ایران و عراق صادر شد. این قطعنامه را ۱۲ حزب، سازمان و اتحادیه از کشورهای مختلف جهان امضا کرده اند. اسامی برخی از آنها چنین است: حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست چپ سوئد، حزب کمونیست کارگری سوئد، کمیته صلح سوئد، کمیته هماهنگی برای صلح و امنیت - دانمارک. (اکثريت شماره ۱۶۵)

* چروانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه طی قطعنامه ای که در کنفرانسی با حضور نمایندگان چروانان ۲۲ کشور در پایتخت مغولستان برگزار شد، اظهار داشتند: "ما خواهان پایان فوری جنگ (ایران و عراق) و بازگشت طرفین به مرزهای بین المللی قبل از آغاز جنگ و حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز و برقراری صلحی عادلانه و دموکراتیک هستیم". (اکثريت شماره ۱۶۸)

* شرکت کنندگان در کنفره جنبش چروانان کمونیست فرانسه با صدور قطعنامه ای علیه جنگ و اختناق در ایران موضعگیری کردند. ۳۰ سازمان دانشجویی از آسیا، آفریقا، آمریکا، و اروپا این قطعنامه را امضا کردند. (اکثريت شماره ۱۶۸)

* محکومیت جنگ ایران و عراق در ژاپن، کنفرانس جهانی علیه بمب های اتمی و هیدروژنی. در ژاپن در این کنفرانس ۹۴ نماینده از ۲۶ کشور جهان و ۱۶ سازمان بین المللی و ۱۸۲ نماینده از سراسر ژاپن شرکت داشتند. شرکت کنندگان در این کنفرانس مزبور پویژه رئیس شورای جهانی صلح، نماینده کنفره ملی آفریقا، نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین و نماینده جنبش چروانان و دانشجویان سازمان ملل ضرورت پایان دادن به جنگ ایران و عراق را مورد تاکید قرار دادند. (اکثريت شماره ۱۷۲)

دعوت گروه پارلمانی کمونیست ها و متحدانشان در پارلمان اروپا برگزار شد. در این کنفرانس نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا، رفیق مهدی فتاپور، خواهان جلوگیری از صدور سلاح به ایران شد. کنفرانس خواهان برقراری آتش پس و بازگشت نیروهای نظامی دو کشور به مرزهای شناخته شده بین المللی گردید. (اکثريت شماره ۱۵۰)

* قطعنامه علیه جنگ و اختناق در ایران، در دومین کنفره جنبه ملی پدر وطن در کابل. در کنفره جنبه ملی پدر وطن که فراگیرترین سازمان سیاسی - اجتماعی افغانستان است نمایندگان ۱۸ نهاد ملی و بین المللی با امضای قطعنامه خواهان پایان دادن به جنگ و اختناق در ایران شدند. از آن جمله اند "داویدف" نماینده فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و "اولگ ابگناتیف" نماینده انجمن صلح و همبستگی اتحاد شوروی. (اکثريت شماره ۱۵۶)

* نوزدهمین کنفره انجمن دانشجویان کرد در اروپا که روز ۲۵ فروردین (چهاردهم آوریل) در چکسلواکی کنایش یافت خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق و استقرار صلح بین دو کشور گردید. (اکثريت شماره ۱۵۶)

* معاون وزیر خارجه شوروی طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: اتحاد شوروی خواستار تلاشهای بین المللی برای قطع جنگ ایران و عراق است. (اکثريت شماره ۱۶۲)

* کنفره جهانی زنان در مسکو. در این کنفره سرپرست هیئت نمایندگی زنان فدایی، در بخشی از سخنان خود زندگی در سایه سیاه جنگ را تشریح کرد. شخصیت های متعددی در این کنفره متنی را در محکومیت جنگ ایران و عراق و خواست پایان فوری آن امضا کردند. (اکثريت شماره ۱۶۴)

* جشنواره صلح در استکهلم

کمک های مالی رسیده

۵۹۱۰ شیلینگ

۱۲۰ دلار

۴۰۰ کرون

۴۳۰ کرون

۲۰۰ کرون

۷۳ کرون

۶۰۰ کرون

۱۰۰ کرون

۱۰ مارک

"چروانان پیشگام" از اتریش
برای یاری به خانواده های زندانیان سیاسی،

دوستان اران سازمان اُتورنتو-کانادا

سونیا ویرهام از سوئد

یک رفیق از لوللو-سوئد

اپسالا-سوئد

استکهلم-سوئد

هلن از امئو-سوئد

ادم از امئو-سوئد

پیمان از آلمان فدرال



«لنین و حزب طراز نوین»

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

و بتواند این تئوری را در انطباق با نیازهای زندگی و فعالیت انقلابی تکامل بخشد. این، پایه ایدئولوژیک اتحاد همه اعضای حزب، ایجاد مبنای مورد توافق، دستیابی به وحدت عمل، تحکیم و گسترش پیوند با توده‌ها و پیشبرد فعالیت عملی کارگران پیشرو است.

حزب به مثابه مرکز اندیشه‌پردازی تئوریک و رهبری سیاسی جنبش انقلابی طبقه کارگر، پیش از هر چیز، عامل تعیین کننده در دریافتن و استفاده از امکاناتی است که مبارزه برای تحولات اجتماعی و دمکراتیک فراوری طبقه کارگر می‌گشاید. لنین نشان داد که امید بستن به ایجاد خودبخودی ایدئولوژی مستقل علمی توسط جنبش طبقه کارگر، یک توهم است. طبقه کارگر به خودی خود تنها قادر به ایجاد آگاهی سندیکیایی است. آگاهی سوسیالیستی را باید از بیرون به درون طبقه کارگر برد، و این امر وظیفه حزب مارکسیست انقلابی طبقه کارگر است.

در این رابطه، مشخص کردن اصول عام و توانایی کاربرد درست حقیقت مارکسیسم در شرایط ویژه هر کشور در یک دوره تاریخی معین، حائز بیشترین اهمیت است. لنین در ترویج تئوری مارکسیسم نوشت سوسیال دمکراتهای روسیه باید «به کارگران در آموختن آن (مارکسیسم) یاری رسانند و آن شکل از سازماندهی را ابداع کنند که در شرایط ما برای ترویج اندیشه‌های سوسیال دمکراتیک و یکپارچه کردن کارگران به مثابه یک نیروی سیاسی، از همه مناسب‌تر باشد.» (۷)

در آموزش لنین، احکام عام انقلابی و سیاست عملی، رهنمودهای برنامه‌ای و راه‌ها و وسایل کاربرد آنها، در پیوند متقابل و تنگناکنند باهم قرار دارند، در قالب یک کل واحد ایدئولوژیک و سیاسی می‌گنجد و به لحاظ سازمانی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرند. لنین، حزب را گردان پیشرو و آگاهی می‌دید که انسجام ایدئولوژیک آن، بروحدت مادی سازمان استوار است. سازمان منسجم، تضمین اراده واحد اعضای حزب است که آرمانهای طبقه کارگر را بازتاب می‌دهد و یکپارچگی همه زحماتشان و اقدامات هدفمند آنها را تأمین می‌کند. از این رو لنین تأکید می‌کرد که «حزب به مثابه پیشاهنگ طبقه باید تاهرد که ممکن است سازمان‌یافته باشد.» (۸)

سانترالیسم دمکراتیک، تبدیل به مهمترین اصل سازمانی حزب طراز نوین شد. مبانی این اصل توسط مارکس و انگلس تدوین شده بودند. لنین این مبانی را باتوجه به تجربه کسب شده از سوی طبقه کارگر، و

سیاسی پرولتاریا استوار کرد، سازمانی که مارکس و انگلس آن را پیشامتنی انقلابی، مجهز به تئوری کمونیسم علمی، برنامه‌ای علمی و تاکتیک‌هایی مطابق با شرایط، سازمانی با وفاداری مستحکم به مواضع طبقاتی می‌دانستند.

مدل کردن آموزش حزب طراز نوین و کاربرد موفقیت‌آمیز این آموزش از سوی لنین، از آن دسته رویدادهای کلیدی در تاریخ جنبش انقلابی جهانی‌اند که اهمیت و تاثیر آنها با گذشت زمان فروشی می‌یابد. دقیقاً بدین خاطر است که دشمنان مارکسیسم، اصول ایدئولوژیک، تئوریک، سیاسی و سازمانی این آموزش را تحریف و مسخ می‌کنند. (۲) یک ترفند مورد علاقه تئوریسین‌های پرورژوایی این است که آموزش لنینی در باره حزب را دکتترین فرقه‌گرایی قلمداد و چنین ادعا کنند که گویا این آموزش، بیشتر به نسخه نیچد در باره «جمع ابر قهرمانان» و یا نظم شوالیه‌ای قرون وسطایی نزدیک است تا به طرح سازمان سیاسی یکپارچه‌ای نظیر آنچه یک حزب سوسیال دمکرات باید باشد. (۳) ترفند مشابهی نیز اغلب از سوی اپورتونیستهای راست به کار گرفته می‌شود. آنها چنین استدلال می‌کنند که آموزش لنین در باره حزب، «بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر» به قرار دادن حزب در برابر توده‌ها و کم بهاداد به اهمیت فعالیت زحمتکشان می‌انجامد. (۴)

طرح لنینی حزب انقلابی پرولتری از سوی ایدئولوگهای ساوراچپ نیز مورد حمله قرار می‌گیرد. آنها مدعیند «مرزهای و مرزنامه بطور اجتناب‌ناپذیر» جنبش را «فلج می‌کند» و رد تئوری حزب رهبری‌کننده و پذیرش طرح «اقلیت فعال» را می‌طلبند. از نظر آنها این «اقلیت فعال» باید نقش یک عامل دائمی محرک را ایفا، و بدون طرح ادعای رهبری، فعالیت را تشویق کند. (۵)

ادعاهایی از این دست، حاکی از تحریف عمده‌ی جوهر آموزش لنین است. (۶)

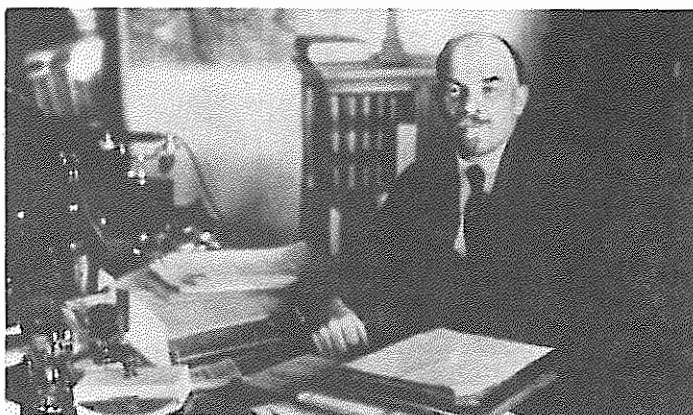
لنین، مفهوم حزب انقلابی طبقه کارگر را تعریف و اصول حاکم بر سازمان آن را فرمولبندی کرد، هدف و وظایف آن را بیان داشت و راه‌ها و ابزارهای دستیابی بدانها را نشان داد. رسالت حزب، پیچ گسترده‌ترین توده‌های پرولتر و همه زحمتکشان برای یکپارچه‌سازی بخش است.

محور آموزش لنین در باره حزب انقلابی، طرح ضرورت پیوند دادن جنبش طبقه کارگر با مارکسیسم انقلابی است. لنین خاطرنشان کرد که حزب تنها زمانی نقش خود را ایفا خواهد کرد که به تئوری پیشرفته، یعنی آموزش مارکسیستی مجهز باشد

در شماره ۱۷۲ نشریه، سلسله مقالاتی را به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، با ترجمه فشرده‌ای از «مقدمه‌ای بر دولت و انقلاب اثر لنین» که بزودی از سوی انتشارات سازمان در دسترس قرار خواهد گرفت، آغاز کردیم. در این شماره، ترجمه فصلی از کتاب «جنبش بین‌المللی طبقه کارگر، مسائل تاریخ و تئوری»، جلد دوم را برگزیده‌ایم که به «آموزش لنینی در باره حزب طراز نوین و اهمیت بین‌المللی این آموزش» اختصاص دارد. اگر بپذیریم بزرگداشت واقعی و شایسته انقلاب اکتبر، فراگرفتن و رهنمون قرار دادن لنینیسم است، و اگر بپذیریم که یکی از بزرگترین خدمات لنین به امر انقلاب و به جنبش جهانی طبقه کارگر، تدوین و گسترش آموزش حزب طراز نوین است، اهمیت محک و تأمل‌پیشتر این آموزش، آشکارتر می‌شود. لنین، خود دوسال و نیم پس از پیروزی اکتبر «یکی از شرایط اساسی موفقیت بلشویکها» را وجود حزبی دانست که در آن «انضباط بسیار شدید و حقیقتاً آهنین» حاکم است و «طبقه طبقه کارگر یعنی تمامی عناصر متفکر و شرافتمند و جانفشان و با نفوذ این طبقه، که قادرند قشرهای عقب مانده را بدنبال خود ببرد یا به سوی خود جلب کنند» از آن «پشتیبانی کامل و بی‌دریغ» می‌کنند. (۱) این میزان از اهمیت که رهبر انقلاب اکتبر برای حزب پیشاهنگ پرولتری قائل است، ما را به آموختن و باز هم آموختن اندیشه‌های دوران ساز و در این باره فرا می‌خواند. در زیر، ترجمه فصل نامبرده از کتاب «جنبش بین‌المللی...» را می‌خوانیم.

آموزش لنین درباره حزب پرولتری طراز نوین، نتیجه منطقی تکامل اجتماعی و رشد جنبش طبقه کارگر روسیه و جهان بود. نیاز به چنین حزبی، از سوی رهبران انقلابی سوسیال دمکراسی بین‌المللی، به شدت احساس می‌شد. تجربه کسب شده توسط جنبش جهانی طبقه کارگر در سالهای واپسین دهه نوزدهم و نخستین سالهای قرن بیستم، بگونه‌ای فزاینده روشن می‌کرد که اشکال کهنه سازمان سیاسی پرولتاریا، در تضاد با مناسبات اجتماعی تحول‌یافته و با ضروریات جنبش انقلابی و دمکراتیک قرار می‌گرفت.

لنین با حل این مسئله خطیر، خدمتی تاریخی انجام داد. وی آموزش همه جانبه‌ای درباره حزب ایجاد، و بگونه‌ای جامع، بنیادهای تئوریک و سازمانی، استراتژی و تاکتیک، معیارهای زندگی حزبی و اصول رهبری حزب را تدوین کرد. وی در تدوین این آموزش، به نحوی پیکیر حرکت خود را بر اندیشه‌های مارکس و انگلس در باره مبانی سازمان



با توجه به شرایط تاریخی تحول یابنده، گسترش داد. وی، جوهر سانترالیزم دمکراتیک را بصورت پیوند متقابل ارگانیک میان سانترالیزم و دمکراسی پیگیر نهفته در ماهیت اجتماعی - سیاسی حزب پرولتری، نشان داد.

لنین همواره تاکید می کرد بدون سانترالیزم هیچ حزب مبارز متحد نمی تواند وجود داشته باشد، بدون سانترالیزم حزب بکوشه ای اجتناب ناپذیر به سطح سازمانهای مجزا و پراکنده تنزل خواهد کرد. وی نفی سانترالیزم و انضباط حزبی را اپورتونیزم در مسائل سازمانی، و در پیوند شکستنی با اپورتونیزم در تاکتیکها و برنامه حزب می دانست، چرا که نفی ضرورت سازمانی باید از نفی ضرورت سانترالیزم و دیسیپلین به معنای تبدیل حزب انقلابی از یک پیشاهنگ مبارز و رهبری کننده کارگران و همه زحمتکشان به "محفل بحث"ی است که قادر به تدوین و کاربست برنامه عمل منسجمی نیست.

لنین همچنین خاطر نشان کرد که سانترالیزم، پیوندی ارگانیک با دمکراسی درون حزبی دارد. وی خواستار انتخابی بودن ارگانهای رهبری، پاسخگو بودن آنها بر اساس رده و سطحشان، تغییر ترکیب اعضای آنها و حتی همه اعضای حزب، بدون استثناء، برای شرکت مستقیم با از طریق نمایندگان در همه امور حزب بود. بدون این، حزب بگونه ای اجتناب ناپذیر به سطح یک سازمان بسته دارای سلسله مراتب جامد تبدیل خواهد شد.

لنین، معیارهای زندگی حزبی و مقررات دقیقی را که باید بر زندگی درون حزبی حاکم باشد و اشکال سازمانی و شیوه های کار آن را تعریف کند، تدوین کرد. وی تاکید کرد این مقررات باید از سوی عموم مورد پذیرش قرار گیرد و در اسناد مربوطه، و در وهله اول اساسنامه حزب، ثبت شود. شکل دادن به معیارهای زندگی حزبی و نظارت اکید بر آنها از سوی همه کمونیستها و ارگانهای حزبی بدون استثناء، شرط اکید اجرای موفقیت آمیز حزبی رهبری توسط حزب است. لنین نوشت: "این وظیفه ماست که از استحکام، یاببندی و خلوص حزب خود دفاع کنیم. ما باید بکوشیم تا نام و اهمیت عضو حزب را بالا، بالاتر و هر چه بالاتر ببریم." (۹) تنها چنین برخوردی بود که می توانست به ایجاد سازمانی کاملاً پرولتری و به لحاظ ایدئولوژیک یکپارچه، بیانجامد، سازمانی که قادر به رهبری مبارزه انقلابی طبقه کارگر و توده های زحمتکش علیه سرمایه داری باشد و به سمت ساختمان جامعه ای نوین پیش رود.

لنین نوشت حزب باید آرایش نیروهای طبقاتی را دقیقاً ارزیابی کند، منافع کن جنبش طبقه کارگر را در انطباق با موقعیت موجود و ویژگیهای هر دوره تاریخی به حساب آورد و بر این پایه، برنامه عمل علمی، و راهها و ابزارهای دستیابی به اهداف فوری و نهایی را طرح کند، استقلال سیاسی و ایدئولوژیک خود را تضمین کند و زحمتکشان را بگونه ای موثر در جهت دگرگونی جامعه سرمایه داری به شیوه ای انقلابی رهنمون شود. حزب باید برای دستیابی به این هدف، قبل از هر چیز دارای پیوندهای تنگاتنگ با توده ها باشد.

آموزش لنینی حزب پرولتری طراز نوین، دربرگیرنده اندیشه پیشاهنگ آگاه و سازمان یافته کارگران است که در صفوف خود، پیشرفته ترین

این رو این یک خطا و خود فریبی جدی خواهد بود اگر "تمایز میان پیشاهنگ، وکل توده هایی را که به سمت آن گرایش دارند، و وظیفه دائمی پیشاهنگ در ارتقای بخشهای هر چه گسترده تر به سطح پیشرفته خود را فراموش کنیم." (۱۴)

باید همواره خاطر نشان شود که حزب انقلابی طبقه کارگر به خودی خود از نقش پیشاهنگ برخوردار نمی شود و باید این نقش را خود کسب کند. لنین نوشت، "این کافی نیست که خود را "پیشاهنگ" و گردان پیشرو بنامیم و بلکه باید بگونه ای عمل کنیم که همه گردانهای دیگر این امر را به رسمیت شناخته و مجبور به پذیرش آن شوند که ما در صفوف مقدم گام برمی داریم." (۱۵)

یکی از دستاوردهای برجسته لنین، تدوین علمی اصل رهبری حزب بود، وحدت میان کار سیاسی و سازمانی، میان تئوری و پراتیک، میان حرف و عمل، ترکیب ادامه کاری مشی عمومی حزب با فرمولبندی و حل خلاق مسائل طرح شده توسط زندگی در عمل، تحکیم پیوند با توده ها و توجه همه جانبه به منافع و روحیات آنها؛ رهبری جمعی؛ مسئولیت شش هر فرد برای متن بخش از کار که بر عهده او است. تحقق این اصول، مستلزم سطح بالایی از ابتکار و فعالیت انقلابی در کاربست مشی سیاسی حزب است.

لنین همواره می گفت که روشنفکران انقلابی مارکسیست، نقش مهمی در اجرای مسئولیت های رهبری در حزب دارند. او نشان داد که تلاش برای قرار دادن طبقه کارگر در برابر روشنفکران، از لحاظ تئوریک غیر قابل دفاع و از لحاظ سیاسی مخرب است و تاکید کرد که "تئوری سوسیالیسم از تئوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی تدوین شده توسط نمایندگان تحصیل کرده طبقات دارا، یعنی روشنفکران، فراروشید." (۱۶) از سوی دیگر، وی با اشاره به نقش و مسئولیت ویژه روشنفکران انقلابی در برابر جنبش توده ای طبقه کارگر نوشت "یک "ایدئولوگ" تنها زمانی شایسته این عنوان است که در پیشاپیش جنبش خود بخورد باشد، راه را نشان دهد و قبل از همگان قادر باشد که همه مسائل تئوریک، سیاسی، تاکتیکی و سازمانی را که "عناصر مادی" جنبش بطور خود بخودی بدان برمی خورند، حل کند." (۱۷) وی نوشت این امر حائز اهمیت است که "به پرورش کارگران انقلابی که از لحاظ فعالیت حزبی در همان سطح روشنفکران انقلابی قرار دارند کمک کنیم." (۱۸)

لنین بطور همه جانبه، ضرورت شکل گیری حزب بقیه در صفحه بعد

اعضای سایر گروه های اجتماعی را نیز که موضع طبقه کارگر را پذیرفته اند، متشکل کند. سمت گیری به سوی گسترش پایه اجتماعی حزب، ناشی از ضرورت اجرای رسالت آن به مثابه رهبر جنبش رهایی بخش بود. نقطه آغاز حرکت لنین این بود که طبقه کارگر در پیکار انقلابی خود تنها نخواهد بود. او نوشت: "طبقه کارگر روسیه می تواند به تنهایی، حتی اگر هیچ طبقه دیگری به یاری اش نیاید، مبارزه اقتصادی و اجتماعی خود را به پیش برد. اما کارگران در پیکار سیاسی، تنها نیستند." (۱۰) دهقانان و همه بخشهای استثمار شده دیگر مردم، به پیکار سیاسی روی خواهند آورد زیرا آنها در جامعه ای که تضادهای اجتناب ناپذیر بر آن حاکم است از حقوق خود محرومند. لنین می افزاید: "همه این گروه های مردم، بطور جداگانه قادر نیستند مبارزه سیاسی پیگیری به پیش برند؛ آنها تنها قادر خواهند بود به اتفاق "پرولتاریا، که در راس همه بی چیزان است"، دست به مبارزه زنند.

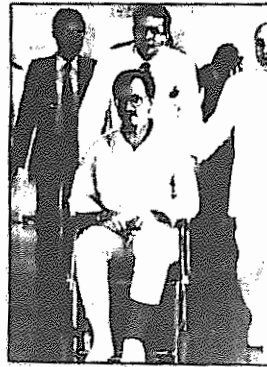
رهبر پرولتاریای انقلابی خاطر نشان می کند که هر کس این اصل را فراموش کند که "کمونیستها از هر جنبش انقلابی پشتیبانی می کنند" (۱۱)، سوسیال دمکرات نیست. مارکسیستهای انقلابی، بدون اینکه لحظه ای آرمانخواهی سوسیالیستی خود را پنهان کنند، باید "در پیشاپیش همه مردم وظایف عام دمکراتیک را مطرح کنند و مورد تاکید قرار دهند." (۱۲)

لنین بر این پای می فشد که سوسیالیستها در تلاش برای کسب نفوذ در میان توده ها و جلب حمایت آنها باید همواره به یاد داشته باشند که قبل از هر چیز طبقه کارگر را نمایندگی می کنند. لنین نوشت: "برای اینکه یک حزب سوسیال دمکرات باشیم، ما باید دقیقاً حمایت طبقه را کسب کنیم." (۱۳)

وی تاکید می کرد که حزب باید بگونه ای استوار به مواضع طبقاتی خود وفادار بماند، و از سوی دیگر خاطر نشان می کرد که تحت هیچ شرایطی، حزب به مثابه بخش پیشروی طبقه کارگر را نباید با کل طبقه یکی گرفت. این، درهم آمیزی، وجه مشخصه اپورتونیزم است. لنین می گفت بلشویکها حزب طبقه اند، و از این رو تقریباً تمام طبقه (و تحت شرایطی کل طبقه) باید تحت رهبری حزب عمل، و خود را با آن هماهنگ کند. اما این توهم خواهد بود اگر گمان شود که در سرمایه داری، تمام طبقه یا تقریباً تمام طبقه به سطح آگاهی و فعالیت بخش پیشروی خود ارتقا خواهد یافت. لنین نوشت از

«ارتباط ایتالیایی»

بقیه از صفحه اول



کارلویپالرمو، بازپرس ایتالیایی که به دلیل انجام تحقیقات پیرامون معاملات تسلیحاتی مافیا و جمهوری اسلامی، هدف سوء قصد قرار گرفت.

تابه اتهام "افترا" مجازات شود. اما پالرمو دست از تحقیقات خود برنداشت.

ماجرای معاملات سه‌جانبه مافیا، جمهوری اسلامی و دولت ریگان با یک سلسله قتل که قربانی اکثر آنها، دلالان دستگیر شده توسط مقامات قضایی کشورهای مختلف بودند، همراه بود. سرهنگ نورث فعال‌ترین مقام آمریکایی در رابطه با رسوایی "ایران کیت" و همکاران او، نمی‌خواستند تا از این معاملات کوچکترین نکته‌ای به بیرون درز کند. مثلاً در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۶، سیروس هاشمی از واسطه‌های ایرانی ماجرایی در لندن به قتل رسید. در اوت ۱۹۸۶، مافیا دست‌اندرکار تدارک توطئه دیگر برای قتل کارلویپالرمو بازپرس ایتالیایی شد. اما پیش از آنکه این سوء قصد به اجرا درآید، ماجرای "ایران کیت" علنی شد. چرا و چگونه؟ مقاله "عصر جدید"، به احتمالات مختلفی اشاره می‌کند، رقابت‌های درونی دلالان، اختلافات در هیئت حاکمه آمریکا و پیادر رژیم خمینی، انتقام‌جویی اسرائیلی‌ها از دولت آمریکا به خاطر تحویل مستقیم اسلحه به جمهوری اسلامی، چرا که تا مدتی، آمریکایی‌ها برای تحویل سلاح به رژیم خمینی از طریق اسرائیل عمل می‌کردند، اما پس از آنکه در چند

مورد، اسرائیلی‌ها در معاملات دست به "تقلب" و تحویل "جنس نهج" زدند، ارتباط با واسطه اسرائیلی تبدیل به ارتباط مستقیم شد. در هر حال، رسوایی‌های پی‌درپی در ارتباط با "ایران کیت" هر روز بیش از پیش صحت نتایج تحقیقات کارلویپالرمو را نشان داد. مقامات دولت ایتالیا پس از اعلام تحریم تحویل سلاح به جمهوری اسلامی در ژوئن ۱۹۸۴، اقدام در جهت صدور مجوز سلاح به ایران را صادر کرده بودند. "ایران کیت" ایتالیا هنوز نکات پنهان زیادی دارد. انتظار می‌رود در هفته‌ها و ماه‌های آینده، نکات بیشتری از این ماجرای تاریک، روشن شود.

راهپیمایی صلح در آخن - آلمان فدرال

روز اول سپتامبر - روز جهانی صلح - گروهی از مردم آخن در دفاع از صلح جهانی به راهپیمایی در این شهر پرداختند. راهپیمایان که پلاکاردهایی در دست داشتند پس از عبور از چند خیابان در یکی از مراکز شهر جمع شده به سخنرانی دوتن از نمایندگان دوستان صلح گوش فرا دادند. در سخنرانی‌ها هر محورهای زیر تاکید شد:

الف - ضرورت قطع مسابقه تسلیحاتی در جهان

ب - اعتراض به شرکت دولت آلمان فدرال در طرح‌های نظامی گرایانه امپریالیسم جهانی

ج - قطع ارسال سلاح به ایران و عراق از سوی کشورهای تولیدکننده

د - پشتیبانی از پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال

فداییان خلق - آخن از جمله شرکت کنندگان در این راهپیمایی بودند که ضمن حمل پلاکاردهایی با مضامین ضد جنگ، به پخش اعلامیه‌ای به زبان آلمانی در رابطه با روز جهانی صلح پرداختند.

يك اقدام افشاگرانه موفق

تلویزیون دانمارک با همکاری "انجمن ایرانیان" اقدام به ساختن یک فیلم داستانی بلند به نام "پچه‌های خمینی" نمود. در این فیلم مجموعه ترندهایی که توسط رژیم خمینی برای کشاندن دانش‌آموزان به چینه‌های جنگ بکار گرفته می‌شود تصویر شده است. در این فیلم تحمیل مذهب، ارائه امکانات آموزشی، امکان‌یابی برای گریز از درس و امتحان، چد به حمل سلاح و تیراندازی برای یک نوجوان، امکان‌یابی برای بزرگسال تلقی شدن و اعمال قدرت، دادن تشخص کاذب و ایجاد امکانات و تسهیلات مادی برای خانواده بعنوان اهرم‌ها و انگیزه‌های روانی و مادی مورد استفاده عوامل رژیم خمینی برای جذب دانش‌آموزان به بسیج و اعزام آنان به چینه‌های مرگ، مورد تشریح قرار گرفته است.

این فیلم که در دانمارک تهیه شده است، تاکنون در تلویزیون سراسری کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ، سوئد، هلند، آلمان فدرال، و هلند به نمایش گذاشته شده است.

«لنین و حزب طراز نوین»

بقیه از صفحه قبل

انقلابی پرولتاریا و رشد نقش و نفوذ اجتماعی - سیاسی آن در میان توده‌ها را به مثابه شرایط الزامی گسترش مبارزه زحمتکشان در راه تحولات اجتماعی و دمکراتیک و در راه گذار انقلابی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، مدلل کرد. وی تاکید کرد طبقه کارگر که در آستانه یورش به دژهای سرمایه‌داری است، باید از سازمان سیاسی پکلی متفاوت از احزاب سوسیال رفرمیست برخوردار باشد. مارکسیسم انقلابی، وظیفه واقعی حزب انقلابی طبقه کارگر را نه در رویاپردازی درباره تجدید سازمان جامعه، نه در محو ناهنجاریهای بی‌اهمیت اجتماعی، نه در توطئه‌چینی، بلکه در سازماندهی و هدایت مبارزه طبقاتی پرولتاریا، "که هدف نهایی آن، کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و ساختمان جامعه سوسیالیستی است"، می‌دید. (۱۹)

آموزش لنینی حزب و تجربه کاربست موفقیت آمیز آن در عمل، تبدیل به بخشی از گنجینه کن جنبش انقلابی جهان شده است. طبقه کارگر تنها

از این طریق قادر به انجام رسالت تاریخی خود است.

پانویسها

۱ - منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۷۲۶

۲ - ل. هایمسون، "مارکسیستهای روس و ریشه‌های بلشویسم"، هاروارد ۱۹۶۶؛ ل. شاپیرو، "حزب کمونیست اتحاد شوروی"، نیویورک، ۱۹۶۰؛ او. ک. فلشتنهایم، "بلشویسم"، وین - فرانکفورت، زوریخ ۱۹۶۷.

۳ - آ. ب. اولام، "لنین و بلشویسم"، لندن، ۱۹۶۶، ص ۱۷۹.

۴ - روزه‌کاری، "آلترناتیو"، انتشارات روبرلا فون، پاریس ۱۹۷۲، ص ۲۱۵.

۵ - ژ. ساواکر، آ. گاسبار، د. کن - بندیت، ژ. پ. دوتویی، "شورش دانشجویی"، انتشارات دوسویی، پاریس ۱۹۶۸، ص ۹۱، ۹۲.

۶ - نقد اندیشه‌های ضد مارکسیستی درباره بلشویسم در بسیاری آثار گنجانده شده است، از جمله در: آ. اف. کاسین، "تاریخ شکل‌گیری حزب سوسیال دمکرات کارگر روسیه از دید لنین و از دید منتقدین بورژوازی"، مسکو ۱۹۷۲؛ "نقدی بر نظریه‌های بورژوازی درباره تاریخ و سیاست حزب کمونیست

اتحاد شوروی"، لنینگراد ۱۹۷۴ (مردوبه زبان روسی).

۷ - و. ا. لنین، "دوستان خلق" کیانند...، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۲۰.

۸ - "یک گام به پیش، دو گام به پس"، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۲۵۸.

۹ - "کنفره دوم ح ک س در"، مجموعه آثار ج ۶، ص ۵۰۴.

۱۰ - "برنامه ما"، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۱۰، ۲۱۴.

۱۱ - ک. مارکس، ف. انگلس، "مانیفست حزب کمونیست".

۱۲ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۴۲۵.

۱۳ - "یک گام به پیش، دو گام به پس"، مجموعه آثار ج ۷، ص ۲۶۲.

۱۴ - همانجا، ص ۲۶۱.

۱۵ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۴۲۶.

۱۶ - همانجا، ص ۳۷۵.

۱۷ - "گفتگوی با دافغان اکونومیسم"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۴۷۰.

۱۸ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۴۷۰.

۱۹ - "برنامه"، مجموعه آثار ج ۴، ص ۱۱ - ۲۱.

توافقی اتحاد شوروی و آمریکا در مورد موشکهای میان برد

پدنبال مذاکرات ادوارد شوارتسزده وزیر امور خارجه شوروی در واشنگتن، اعلام شد که اتحاد شوروی و آمریکا در مورد برچیدن همه موشکهای میان برد مستقر در خشکی، به توافق اصولی دست یافته اند. قرار است معاهده ای در این مورد در جریان سفر میخائیل گارباچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی به ایالات متحده توسط وی و ریگان رئیس جمهور آمریکا امضا شود. گارباچف در پاییز امسال به واشنگتن خواهد رفت.

توافقی واشنگتن، پس از سومین دور گفتگوهای شوارتسزده و شولتز وزیرای خارجه دو کشور در روز پنجشنبه ۱۷ سپتامبر حاصل شد. دوطرف توافق کردند که در ماه اکتبر شولتز به مسکو سفر کند تا آخرین مذاکرات برای نخستین دیدار رهبر شوروی از آمریکا انجام گیرد.

آخرین مانع عمده بر سر راه توافق پیرامون موشکهای میان برد، وجود ۷۲ موشک "پرشینگ-۱" متعلق به آلمان فدرال بود. کلاهکهای هسته ای این موشکها، به ارتش آمریکا تعلق دارد اما خود آنها که در آلمان فدرال مستقرند، توسط دولت این کشور از

آنها به واسطه قابلیت بیشتری برای پیشبرد "جنگ تمام عیار" علیه خلق دارند. تاکنون دولت ریگان ترجیح داده است از چنان آکینو حمایت کند.

بیانیه مؤید بار دیگر بر ضرورت سرنگونی رژیم کنونی و جایگزینی آن توسط دولت واقعاً مستقل و دموکراتیک خلق تاکید کرده است. در بیانیه آمده است، "دقیقا چنین دولتی است که چپه دموکراتیک ملی هم اکنون در سران کشور دست به کار استقرار آن است."

بیانیه می افزاید، "همه واحدهای ارتش نوین خلق باید حملات نظامی علیه نیروهای مسلح دولتی-هم نیروهای طرفدار آکینو و هم فاشیستهای ضد آکینو-را گسترش دهند."

آکینو رئیس جمهور فیلیپین هفته گذشته با ترمیم کابینه خود جوکر آروبو و تنودورو لوسین دو تن از مشاوران خود را از ترکیب کابینه کنار گذاشت. همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، نظامیان راستگرا خواهان برکناری این دو تن شده بودند. آروبو وکیل مدافع برخی از مخالفان سیاسی در زمان حکومت مارکوس بود و پس از سرنگونی مارکوس به عضویت کابینه آکینو درآمد. همچنین سالوادور لورل معاون آکینو از مقام وزارت خارجه کناره گرفت.

در حالیکه چند هفته پیشتر از قرارداد کلمبو میان هند و سری لانکا برای پایان دادن به جنگ داخلی سری لانکا نمی گذرد، هفته گذشته زدو خورد های مسلحانه در این کشور از سر گرفته شد.

پدنبال توافق دولت مرکزی کلمبو با برخی گروههای تامیل مننی بر اعطای "خودمختاری" محدود به تامیل ها، میان این گروهها و "بهرهای آزادیبخش تامیل ایلام" که مهمترین سازمان چریکی تامیل است،

چپه دموکراتیک ملی خاطر نشان می کند که هر دو جناح رژیم، تنها در پی آنند که به امپریالیسم آمریکا

از سرگیری جنگ در سری لانکا

پدنبال این درگیریها، دولت سری لانکا اعلام کرد واحدهای ارتش هند که در سری لانکا مستقرند، از این پس دستور دارند به سوی چریکهای تامیل تیراندازی کنند. همچنین قرار است کشتیهای مشترک پلیس سری لانکا و ارتش هند، به جستجوی آندسته از چریکهای تامیل که از تحویل دادن سلاحهای خود سر باز می زنند، بپردازند.

پدنبال توافق دولت مرکزی کلمبو با برخی گروههای تامیل مننی بر اعطای "خودمختاری" محدود به تامیل ها، میان این گروهها و "بهرهای آزادیبخش تامیل ایلام" که مهمترین سازمان چریکی تامیل است،

برگزاری پنجمین سالگرد

قتل عام صبرا و شتیلا در مناطق اشغالی

هفته گذشته کرانه غربی رود اردن و نوار غزه که دو منطقه تحت اشغال اسرائیلند، شاهد تظاهرات و اعتصابات گسترده فلسطینی ها به مناسبت پنجمین سالگرد قتل عام وحشیانه صبرا و شتیلا بودند. سربازان ارتش صهیونیستی علیه تظاهرات مردم متوسل به گاز اشک آور و تیراندازی شدند. گسترده ترین تظاهرات در رام الله و البیره صورت گرفت. در برخی نقاط، مردم دست به سرکساز و آتش زدن لاستیک زدند. در دانشگاه هرون و در شهر غزه، دانشجویان با در دست داشتن پرچم فلسطین در تظاهرات شرکت کردند. علیرغم تلاش نیروهای اشغالگر برای جلوگیری از اعتصاب، مغازه داران فلسطینی فروشگاههای خود را تعطیل کردند.

اخبار کوتاه

● یک هیات نمایندگی سه نفره از سوی چپه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی-چپه دموکراتیک انقلابی السالوادور با اسکار آریاس رئیس جمهور کاستاریکا دیدار و پیرامون طرح صلح آمریکای مرکزی با وی گفتگو کرد. عکس، اعضای هیئت انقلابیون السالوادور را در دیدار با آریاس نشان می دهد، از چپ به راست: روبن زامورا، خورخه شفیق مندل (دبیرکل حزب کمونیست السالوادور) و کپلر موونکو.



● نیروهای سرکوبگر رژیم آپارتاید در نزدیکی شهر کیپ تاون یک سرپرچه ۱۴ ساله را به قتل رساندند. این جنایت در جریان سرکوب تظاهرات مردم در اعتراض به اخراج ۲۸۰ کارگر یک کارخانه کنسرو ماهی صورت گرفت.

● مبارزان لبنانی و فلسطینی طی یک درگیری با واحدهای ارتش اسرائیل و مزدوران "ارتش جنوب لبنان"، سه تن از نفرات ارتش اسرائیل را به هلاکت رساندند. این عملیات توسط چریکهای حزب کمونیست لبنان و چپه خلق برای آزادی فلسطین انجام گرفت. شریه وارده به نیروهای صهیونیست، باعث شد تا رابین و وزیر جنگ و شومرون رئیس ستاد ارتش اسرائیل در محل شهادت حضور یابند.

● ضد انقلابیون افغانی بار دیگر یک هواپیمای پاربری را هدف حمله موشکی قرار دادند. در سقوط این هواپیمای در کندوز، ۵۸ سرنشین آن کشته شدند. سه هفته پیش نیز ۶ تن در سقوط هواپیمایی بر اثر اصابت موشک، کشته شده بودند.

مدارس به پادگانهای نظامی تبدیل شده‌اند

در پی آن مجلس شورای اسلامی نیز جهت تحقق وعده وزیر آموزش و پرورش مبنی بر تأمین ۵۰۰ کردان دانش آموزی در سال تحصیلی ۶۵-۶۶، "لایحه آموزش نظامی در مدارس" را تصویب کرد و میلیتاریزه شدن نظام آموزشی کشور را رسمیت بخشید. مطابق مصوبه مجلس، وزارت آموزش و پرورش موظف گردید شرایط مناسب را برای فعالیت بسیج سپاه پاسداران در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان فراهم نماید.

دو هفته بعد از تصویب این لایحه، مسئولان ستاد جنگ آموزش و پرورش با صدور اطلاعیه‌ای دستور دادند، "برای تداوم عملیات پیروزمندانه اسلام، کلیه فرهنگیان و دانش آموزان به صفوف سپاهیان محمد پیوستند". اما صدور این اطلاعیه برای بسیج اجباری کارساز نبود. به همین منظور مسئولان "ستاد" روز ۸ بهمن در حسینیه ارشاد تهران گرد آمدند تا راه تازه‌ای برای کشتار دانش آموزان بیابند. در همین گردهمایی برای هر دبیرستان و حتی مدرسه راهنمایی حداقلی جهت اعزام دانش آموزان به جبهه تعیین شد. معاون پرورشی آموزش و پرورش توضیح داد: "از هر دبیرستان پسرانه و بیامدرسه راهنمایی واجد شرایط حداقل ۲۰ دانش آموز داوطلب به همراه دو تن از پرسنل داوطلب راهی جبهه‌های نبرد با دشمن خواهند شد. اولین اعزام روز ۲۰ بهمن ماه (سال ۶۵) انجام می‌شود و مدت حضور در مناطق عملیاتی بین ۴۵ روز تا سه ماه خواهد بود. حاصل این اقدامات در سراسر

کشور، تشکیل "سپاه صدهزار نفری محمد" و "مهدی" بود. لشکریان محمد که برای انجام "عملیات بزرگ" و "نهایی" بسیج شده بودند، در بدو اجرای عملیات به خاک و خون کشیده شدند. سپاهیان "مهدی" نیز که برای بقیه در صفحه ۸

بیش از ده میلیون دانش آموز و دانشجو از روز اول مهرماه سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند. در اولین روز سال تحصیلی جدید نیز به همراه صدای زنگها، تغییر شوم طبل جنگ در آغاز هشتمین سال آن طنین انداز است. به مناسبت آغاز سال تحصیلی، مروری داریم به تدارکات و ترفندهایی که در طی هفتمین سال جنگ برای به خاک و خون کشاندن هر چه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان به اجرا گذاشته شدند.

در سالی که گذشت رژیم به هر حربه و ترفندی برای بسیج جوانان و اعزام آنان به جبهه جنگ متوسل شد. روز ۱۰ آبان اعزام دانشجو به خارج ممنوع شد و آیین نامه معافیت پزشکی تغییر یافت، حتی کسانی که قدرت بینایی قابل تشخیص اطراف خود را نیز نداشتند به جبهه اعزام شدند تا در جریان عمل ارزیابی شوند. به دانش آموزان کلاس چهارم که برای گریز از اعزام اجباری به جبهه نمره ردی گرفته بودند، کارنامه قبولی دادند تا آنان را از معافیت تحصیلی محروم سازند. در روستاها والدین مشمولان فراری را برای معرفی فرزندانشان مجبور به کروکان گرفتند و دفترچه اوراق خانواده مشمولان غایب را باطل کردند. در روستاها فیلم نمایش دادند تا از آن برای شکار جوانان تماشاگر استفاده کنند و در شهرها به سینماها، پارکها، ورزشگاهها، کارگاهها و ... یورش بردند.

در جریان اجرای مرحله سوم "مانور خندق" که روز پنجم آذر در تهران صورت گرفت در هر یک از نواحی ۸۴ کانه بسیج پاسداران تهران، بیش از ۲۰۰ تن دستگیر شدند. اکثر دستگیرشدگان مشمولان غایب و فراری بودند که از همان محل به اجبار برای شرکت در "سپاه بزرگ محمد" به پادگانهای نظامی گسیل شدند.

مقتدایی در اعتراف به مقاومت زندانیان سیاسی:

"زندانیان هیچگونه اثری بر روحیه آنها نداشته"

مصاحبه مطبوعاتی خود، چرم انقلابیون را "فعالیت ضد اسلامی" معرفی کرد.

مقتدایی همچنین فاکتور به اعتراف شده است که بسیاری از زندانیان سیاسی کشور در برابر شکنجه‌های ددمنشانه رژیم پایداری و استقامت نشان داده و دشمن را در برابر اراده آهنین خود به زانو افکنده‌اند. وی گفت: "اماد راپله با آتشی که در موضع خود باقی هستند و زندانیان هیچگونه اثری بر روحیه آنها نداشته و احتمال اینکه اگر این گونه افراد آزاد و در خارج از زندان مجدداً مشغول فعالیت ضد اسلامی و انقلابی شوند وجود دارد، این افراد مورد عفو قرار نمی‌گیرند و باید محکومینشان را تحمل کنند." (کیهان هوایی ۲۵ شهریور)

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی رژیم نیز در دیدار با سفرای کشورهای آفریقایی و عربی مدعی شد "تهداد زندانیان ضد انقلاب کشور بسیار کم است". آنچه رژیم را واداشته تا بدین گونه حقانیت آشکار و تکذیب کند، همانا افشاکری وسیع نیروها و سازمانهای انقلابی در داخل و خارج از کشور، مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی و موضعگیری قاطع سازمانها و محافل بین‌المللی است. بر دامنه مبارزه خود در این عرصه بیافزائیم.

اعترافات بین‌المللی محافل مترقی و انقلابی علیه استبداد و خفقان سپاه قرون وسطایی رژیم، علیه ددمنشی و خوشخواری رژیم در زندانها، بشکن بیسابقه‌ای رژیم را تحت فشار قرار داده است. افشاکری نیروهای انقلابی در داخل کشور، مبارزات شگوهمند خانواده‌های زندانیان سیاسی و مبارزات افشاکرانه در عرصه بین‌المللی، آنکاه که باهم پیوند می‌یابند، علق تپه‌کاری و چنایتکاری رژیم را در انظار مردم ایران و جهان آشکار و رسوا می‌سازد. رژیم بطور مداوم تکذیب می‌کند. اما سگر نه اینکه تکذیب مکرر خود نمود اعتراف به واقعیت است.

مقتدایی عضو وسخنکوی شورابعالی قضائی در یک گفتگوی مطبوعاتی خطاب به سازمانهای بین‌المللی به قصد مقابله با اخبار و گزارش‌های منتشره از سوی سازمانهای انقلابی کشور بار دیگر مدعی شد که در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی وجود ندارد. وی گفت: "ما به‌طور صریح اعلام می‌کنیم که در ایران زندانی سیاسی به این معنایی که در دنیا مطرح است به کلی نداریم و افرادی که در زندان تحمل کیفر می‌کنند تمامشان افرادی هستند که اعلام جنگ مسلحانه با نظام داشته‌اند." وی در بخش دیگری از

منتشر شد

شماره ۱۹ نشریه آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم منتشر شد. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:

۱ - اصول اساسی تنظیم دقیق مسایل اقتصادی در برنامه احزاب کمونیست

این مقاله توسط س. نووسلف، نوشته شده است و مطالبی تحت عناوین زیر را شامل می‌شود: اثبات اقتصادی استراتژی و تاکتیکها، مطالبات اقتصادی جنبش طبقه کارگر، خصوصیات اصلی اسناد برنامه‌ای احزاب کمونیست.

۲ - چگونگی تکامل احزاب انقلابی در کشورهای با سمت گیری سوسیالیستی

"کمیسین تبادل تجارب احزاب" نشریه بررسی مارکسیستی

جهان برای پاسخگویی به امر فوق توضیحات نمایندگان سه حزب انقلابی، علی‌هودو عضو کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق بئین، کاشوکاکامپو رئیس دبیرخانه دائمی کمیته مرکزی حزب کارکنان و هایللو واندواس عضو کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی را درج کرده است. این مقاله از نشریه بررسی مارکسیستی جهان ترجمه شده است.

۳ - مسایل متدولوژیک مبارزه ضد امپریالیستی و انقلاب

این مقاله که توسط ف. زاخاروف نوشته شده است از کتاب مسایل جنبش کمونیستی برگرفته شده است. در این مقاله عناوین زیر به چشم می‌خورد:

جنبش‌های دمکراتیک و مبارزه طبقاتی، خصلت ویژه فراگرد انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری، برخی مسایل انقلابات ملی-دموکراتیک

AKSARIYAT
NO. 175
MONDAY, 21 SEP. 87

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTHNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید